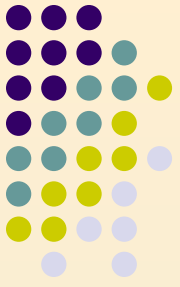


العجاز قرآن

تفسیر به چه معناست ؟
شیوه های مختلف تفسیر
تاریخچه تفسیر علمی
مفهوم اعجاز علمی قرآن
چرا قرآن مشتمل بر مسائل علمی است؟
تا چه حد می توان آیات قرآن را بر مسائل علمی تطبیق داد؟

تفسیر به چه معناست ؟

- تفسیر از ماده (فسر)، به معنای ایضاح و تبیین گرفته شده است
- تفسیر قرآن به این معنا، بیان اراده الهی به شکل کاملاً روشن است
- علامه طباطبائی تفسیر را ((بیان معانی آیات قرآن مجید و کشف مقصود و مضمون آنها)) می داند و آن را یکی از دغدغه‌های جامعه اسلامی از زمان نزول قرآن برمی‌شمارد
- تفسیر اگر براساس قرآن و سنت قطعی باشد، یعنی قرآن را با حدیث صحیح و با خود قرآن تفسیر کند، صحیح است و اگر مبتنی بر تفسیر به رای باشد، و آیات قرآن را بر نظر و عقیده خود حمل کند، در روایات از آن نهی و نکوهش شده است؛ مگر آنکه نظر خود را به طور قطع به قرآن نسبت ندهد بلکه بطور مثال بگوید: ((چنین به نظر می‌رسد ولی مراد واقعی پیش خدا و برگزیدگان اوست))



شیوه های مختلف تفسیر

- از آغاز نزول قرآن تاکنون شیوه های تفسیری گوناگونی رواج داشته است. طبقه اول مفسران، قرآن را به **شیوه روایی تفسیر** و به ذکر روایات رسول اکرم(ص) و بیان مختصری از جنبه های ادبی و شان نزول آنها اکتفا می کردند. اما فتوحات و گسترش قلمرو اسلامی و عوامل دیگری از این دست موجب آشنایی مسلمانان با فرقه های جدید و آشنایی آنان با فلسفه یونان و رواج اندیشه های صوفیانه در بین آنان گشت و تفاسیر رنگ جدیدی به خود گرفت و **تفاسیر کلامی و فلسفی** نیز عرضه گردید.
- با ظهور مسائل جدید در جهان اسلام، جنبه گیری های گوناگونی در مقابل آنها پدید آمد و به دنبال آن فرقه هایی پدید آمدند که قرآن را بر اساس مبانی فکری خود تفسیر می کردند. اختلاف در شیوه های تفسیری به خصوص در بین متکلمان، فلاسفه و متصوفه مشهود است، و علامه طباطبائی را واداشته است که از این اختلاف ها به ((تطبیق قرآن)) تعبیر کند.
- بسیار تفاوت است بین این که ببینیم قرآن چه می گوید با این که تلاش کنیم قرآن را بر معنای خاصی تطبیق دهیم. در شیوه نخست، باید هر ذهنیتی را کنار بگذاریم و تنها ببینیم از قرآن چه می فهمیم. ولی در روش دوم، برخی مطالب غیربدیهی را اساس قرارداده، قرآن را طبق آن معنی می کنند. مسلم است این عمل بحث از معانی واقعی قرآن نخواهد بود

تاریخچه تفسیر علمی



یکی دیگر از شیوه‌های تفسیر، تفسیر علمی قرآن است. علامه طباطبایی در مورد این که چگونه این شیوه تفسیری جای خود را در میان سایر شیوه‌های تفسیری باز کرد می‌گوید: ((در دوره‌های اخیر مسلک تازه‌ای بر مسلک‌های سابق افزوده شد و آن این که جمعی از کسانی که در زمره مسلمانانند بر اثر سر و کار داشتن با مطالعات علوم طبیعی که بر اساس حس و تجربه بنا شده و علوم اجتماعی که متکی به آمارهای حسی است، تمایل به مذهب فلاسفه حسی اروپا یا مکتب اصالت کار (عمل) پیدا کردند... روی این زمینه گفتند حقایق دینی نمی‌تواند با اصول علمی (اصولی که همه موجودات را مادی یا از خواص ماده می‌داند) مخالفت داشته باشد. بنابراین چنانچه در مطالب دینی موضوعاتی برخلاف علوم دیده شود، مانند عرش و لوح و قلم، حتما باید از طریق قوانین مادی توجیه شود))

علامه طباطبایی در نهایت می‌گوید: ((حتی ائمه نیز رغبتی نسبت به تفسیر علمی نشان نداده‌اند و همواره در تفسیر و تعلیم آیات، به خود آیات استشهاد می‌کردند و حتی در یک مورد، به دلیل های عقلی و فرضیه های علمی برای تفسیر آیات دست نزده‌اند)). ۵.

اما این گفته از جهتی قابل نقد است و آن این که اگر پیامبر(ص) و ائمه(ع) به تفسیر علمی دست نزده‌اند به این دلیل نیست که با این شیوه مخالف بوده‌اند بلکه از این جهت بوده که جامعه آن روز از لحاظ علمی پیشرفت چندانی نداشت و با بعضی فرضیه‌های ناصحیح و خرافی روبه رو بود. از این رو، اگر معصومین(ع) می‌خواستند به این کار دست زنند، ابتدا می‌بایست به تفصیل قوانین علمی را بیان کنند و سپس به تفسیر علمی آیات را پردازند و این کار مجال بسیاری می‌طلبید و پرداختن به آن سبب می‌شد که از بحث در مورد ضروریات و اصول و چارچوب دین بمانند.

مفهوم اعجاز علمی قرآن



- هرگونه تعریفی که از اعجاز علمی ارائه شود طبعاً , باید با تعریف اعجاز و معجزه همسو باشد. به بیان دیگر تمام شروطی که در تعریف معجزه آمده باید در مسائل علمی قرآن نیز حاضر باشد تا اطلاق لفظ "اعجاز" بر آن مسائل صحیح بنماید..
- در لغت "اعجاز" یعنی عاجز کردن و در اصطلاح عبارت از هر عملی است که از کسی با ادعای پیامبری و برای اثبات ادعای او صادر شود و همگان از آوردن آن ناتوان بمانند و تایید کننده صدق او در ادعایش باشد. دانشمندان برای معجزه , ویژگیهای دیگری نیز از قبیل قابل تعلیم نبودن, مطابق با امر موعود بودن و ... بر شمرده‌اند.
- با توجه به مطالب فوق, اعجاز علمی قرآن نیز تنها باید از طریق خرق عادت صورت گرفته و به قدرت مافوق بشری نیاز داشته باشد. برای کشف این جنبه‌ها باید تحدی شود؛ یعنی تمام کسانی که ادعا می‌کنند می‌توانند مسئله را کشف کنند باید به مبارزه فراخوانده شوند و در نهایت اثبات شود که راه کشف آن برهمگان بسته است و هیچ کس قدرت کشف آن را ندارد.

عدم انحصار ابعاد گوناگون قرآن به جنبه های علمی

□ قرآن کتاب علوم طبیعی نیست و نمی توان از آن انتظار داشت که چون برخی آیات مرتبط با مسائل علمی در آن آمده، پس کوچکترین علوم و جزئی ترین مباحث در آن مطرح شده باشد؛ مثلاً به علم تشریح پرداخته و تمام بیماریها را معرفی و سپس علائم و راههای درمان آن را بیان کرده باشد. زیرا قرآن برای این هدف نازل نشده است. قرآن آمده است انسان را به سوی زندگی سعادت مند و جاوید هدایت کند و او را به نیروهای درونی اش آگاه کند. قرآن نازل نشده است تا صرفاً به بیان پاره ای علوم خاص و علوم طبیعی پردازد و دایره المعارف گونه باشد. از این رو، اگر می بینیم که قرآن خود را ((تبیاناً لکل شی)) معرفی می کند منظور این است که هرچه را که برای رسیدن به این هدف برای انسان لازم است، آورده است.

چرا قرآن مشتمل بر مسائل علمی است؟

- در پاسخ به این پرسش که چرا در قرآن مسائل علمی مطرح شده ، به دو نکته اشاره می کنیم:
 - ۱- خداوند با علم خود می دانسته که اگر این کتاب فقط به جنبه های دینی پردازد در آینده مردمی خواهند آمد و می گویند، دیگر عمر دین به پایان رسیده است؛ حالا که بشر خودش می تواند پرده از اسرار علوم بردارد، دیگر نیازی نیست که به دین متوسل شود. بنابراین خدوند برای این که راه را بر این گروه ببندد، برخی جنبه های علمی را در این کتاب گنجانده است. استناد به این آیه می تواند تا حدودی این نکته را تایید کند: **((سنریهم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه لحق))**؛ یعنی به زودی آیات خود را در آفاق و انفس به ایشان نشان می دهیم تا بر ایشان روشن شود که همانا قرآن حق است. در اینجا توجه به **((س))** به معنای به زودی در کلمه **((سنریهم))** قابل توجه به نظر می رسد. ۸.
 - ۲- شکی نیست که دعوت اسلام فقط ویژه قوم عرب نیست . قرآن به این نکته این طور اشاره می کند: **((و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین))**، **((و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیرا و نذیرا ولکن اکثر الناس لا یعلمون))**. از سویی اعجاز بلاغی قرآن فقط برای کسانی قابل درک است که از تمام زیر و بم زبان عربی آگاه باشند. از طریق ترجمه هم نمی توان این اعجاز را منتقل کرد، زیرا در ترجمه زبانی به زبان دیگر، همه ویژگیهای زبانی را نمی توان انتقال داد. از طرفی چون دعوت قرآن عمومی است نمی توان از همه مردم دنیا خواست که ابتدا زبان عربی را نیک بیاموزند تا بتوانند اعجاز قرآن را درک کنند. دعوت قرآن عمومی و همگانی است و استدلالات و وجوه اعجاز آن نیز باید همه فهم و فراگیر باشد؛ نه این که فقط مخصوص قوم خاصی باشد.

تا چه حد می‌توان آیات قرآن را بر مسائل علمی تطبیق داد؟

- جواب این سوال بسیار با اهمیت است. زیرا نتیجه‌ای که یک تطبیق می‌تواند داشته باشد در رد حقانیت قرآن و یا تایید آن نقش دارد. طبق نظر بسیاری از دانشمندان، در تطبیق باید دو نکته را مورد توجه قرار داد:
- **الف- آیات را بر مسائل علمی اثبات شده و قطعی تطبیق دهیم؛** یعنی، تطبیق آیات بر فرضیات غیراثبات شده، غلط است؛ زیرا فرضیه چیزی است که هنوز درستی آن اثبات نشده. در حالی که ما معتقدیم که قرآن چیزی از سنخ قانون است و قانون نیز بیانگر مسائل محکم و استوار است. لذا چنین مقایسه‌ای از اصل اشتباه است؛ زیرا دو چیز را که اصلاً سنخیتی با هم ندارند با هم تطبیق داده‌ایم. علم برای اثبات خود باید راه خود را طی کند و اثبات مسائل علمی از حیطة وظیفه قرآن خارج است. قرآن هم برای اثبات حقانیت خود باید راه خود را برود. اگر قرآن برخی مسائل علمی را هم مطرح کرده تنها به خاطر تأمین هدف تربیتی آن است نه این که صرفاً بخواهد مهر تاییدی باشد برای انواع گوناگون علوم.
- **ب- بیان قرآن در رابطه با مسائل علمی باید روشن و واضح باشد.** و آشکارا به نکته علمی خاصی اشاره کرده باشد؛ درست مثل مقالات علمی تا چنانچه فرضیه‌ای بعدها غلط از آب درآمد ایاتی که برای اثبات آن آورده‌اند و در نتیجه حجیت قرآن زیر سوال نرود.

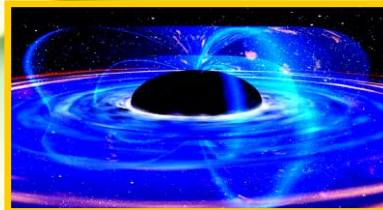
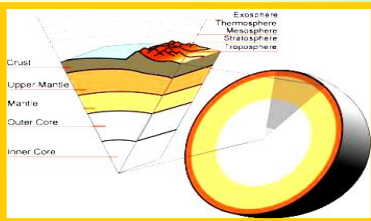
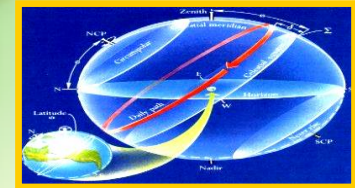
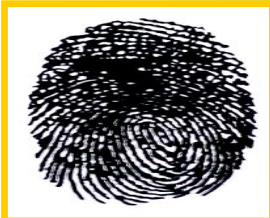
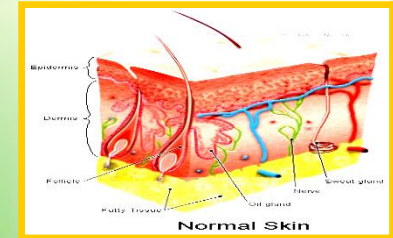
نتیجه بحث

- اعجاز علمی قرآن به معنی مسائل علمی مطرح شده در قرآن است که دارای تمام ویژگی های معجزه باشد. با توجه به این تعریف , از آنجا که مسائل علمی توسط بشر قابل رد یا اثبات است, پی بردن به آنها جنبه فوق بشری ندارد و معجزه به شمار نمی رود. آنچه از یک کتاب آسمانی انتظار می رود ارائه برنامه ای هدایتی برای زندگی است نه بیان مسائل علمی. مگر آنجا که طرح این مسائل در خدمت این هدف باشد. بر همین اساس, قرآن برای توجه دادن انسان به عظمت کتاب آسمانی, بعضی مسائل علمی را در لابلای آیات و سوره های خود بیان کرده که بشر مدت ها بعد از نزول قرآن به آنها پی برده است .
- هم چنین در تطبیق مسائل علمی با قرآن, باید توجه داشت که این امر به تقابل آیات قرآن با اصول ثابت شده ی علمی منجر نشود. زیرا این امر چه بسا ممکن است به خدشه دار شدن حجیت قرآن و سستی اعتقاد مومنان به قرآن گردد.

نکته

- با توجه به اینکه قران مجید کلام خداوند است و دریایی لایتناهی است آنچه در این مجموعه گردآوری شده است برداشتهای بشری با تکیه بر مسایل علمی می باشد و کاملا محدود می باشد و این برداشتها شخصی است و هیچگاه نمی توان به صورت قطعی بیان کرد که مفهوم آیه همین مطالب مورد اشاره می باشد است هدف این است که عزیزان با مطالعه این مباحث به گوشه ای دیگر از عظمت این دریای بیکران پی برده و از آن بهره جویند همچنین امید است که این کار باعث شود عزیزان عمیق تر به مطالعه قران پردازند. و حسن ختام اینکه مطالعه هر صفحه را چنین آغاز کنیم که: چنین به نظر می رسد ولی مراد واقعی پیش خدا و برگزیدگان اوست

اشاره به برخی از اعجاز علمی قرآن کریم



جدا شدن آسمانها و زمین- تائید تئوري انفجار بزرگ (The Big Bang):

خدای متعال در قرآن کریم میفرماید:

(ایه 30سوره 21) أولم یر الذین کفروا أن السموت والأرض کانتا رتقا ففتقنهما وجعلنا من الماء کل شیء حی

أفلا یؤمنون

آیا کافران درک نمی کنند که آسمان و زمین در آغاز به صورت یک توده جامد بود و ما آن را منفجر ساختیم تا موجودیت پیدا کند؟ و هر چیز زنده ای را از آب به وجود آوردیم. آیا ایمان می آورند؟



از یک توده گازی شکل تا آسمانها و زمین

در سوره ای که بنام دخان یعنی گاز نامیده شده است خدای متعال اشاره به مرحله ابتدائی پیدایش آسمانها و زمین کرده میفرماید:

(ایه ۱۱ سوره ۴۱) **ثم استوی إلی السماء وهی دخان فقال لها وللأرض ائتیا طوعا أو کرها قالتا أتینا طائعين**
سپس او به آسمان پرداخت، هنگامی که هنوز به صورت گاز بود و به آن و زمین گفت: "به وجود بیایید، خواسته یا ناخواسته." آنها گفتند: "ما با میل و رغبت می آییم".

تصویر زیر ستاره ای جدید را در حال شکل گیری از گاز و غبار (Nebula)، از بقایای گازی که منشاء پیدایش کل جهان بوده است نشان می دهد.

علم امروز ثابت کرده است که ستارگان آسمانی از انقباض تودههای عظیم گاز بوجود می آیند، پدیده ای که در قرآن بوضوح برآن در آیه فوق اشاره شده است.

گسترش جهان هستی

فرضیه اثبات شده گسترش آسمانها یکی از یافته های مهم علمی در قرن بیستم بود که خدای متعال با صراحت آنرا در قرآن بیان فرموده است.

(ایه ۴۷ سوره ۵۱) **والسما بنینها بأیید وانا لموسعون**

ما آسمان را با دست های خود بنا کردیم و ما به توسعه آن ادامه خواهیم داد.



آسمانها را چه چیزی نگاه داشته است؟

نیروی جاذبه، باذن خدای عالم، عامل نگاهداری آسمانها و زمین است. این نیرو غیرقابل رویت است ولی همانند ستونهایی استوار موجب نگاهداری آسمانها و زمین و گردش آنها در مدارهای تعیین شده توسط یکتاخالق جهان می باشد. به این پدیده بنحو بسیار زیبایی در قرآن مجید اشاره شده است:

(ایه 2سوره 13) **اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ۗ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلٰى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَوْمٍ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ يَدْبُرُ الْأَمْرَ ۗ يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ بَلَقَاء رَّبِّكُمْ تَوْقِنُوْنَ**

خداست که آسمانها را بدون ستونهایی که بتوانید ببینید، برافراشت، سپس اقتدار را در دست گرفت. او خورشید و ماه را متعهد کرد؛ هر کدام تا سرآمدی معین (در مدار خود) در گردشند. او همه چیز را تحت کنترل دارد و آیات را توضیح می دهد، باشد که درباره ملاقات با پروردگارتان به یقین برسید.

سحابی چشم گربه (Cat's Eye Nebula)

موقع انفجار و فرو پاشی ستارگان گازها و موجهای حاصله ترکیبی بسیار زیبا بمانند گل رز ایجاد می کنند. این پدیده در قرآن مجید در سوره الرحمن ایه 37 بیان گردیده است:

فَإِذَا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان

هنگامی که آسمان از هم پاشیده شود و مانند رنگ، به سرخی رز درآید.

حال عبارت قرآن را با عکس ناسا (NASA) که توسط تلسکوپ هابل (Hubble Telescope) گرفته شده است، مقایسه کنید!

چگونه بشری که در هزار و چهارصد سال پیش می زیسته است می توانست بدون داشتن هیچگونه تلسکوپ و یا دسترسی به تکنولوژی امروزی به پدیده ای که در میلیونها کیلومتری زمین رخ می دهد پی برده باشد؟ آیا بجز این است که آیه های اعجاز آور و شگفت انگیز قرآن از طرف آن یکتا خالق هستی که آگاه مطلق به کلیه امور هستی است براو نازل گردیده است؟



سیاهچاله در قرآن

(سوره نجم آیه ۱) (و النجم اذا هوى)

« سوگند به ستاره وقتیکه از بالا به گودال فرو می افتد (یا فرو می ریزد) ».

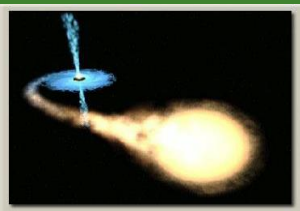
«هوی» فعل گذشته از مصدر هوی است. «هوی»: بمعنی: فرو افتادن یا فرو ریختن از بالای زمین یا از روی زمین به درون زمین است. یعنی افتادن به درون گودال و چاله و چاه و غیره. («خُرور» بمعنی: فرو افتادن با سر یا پیشانی است - «حَطَّ» بمعنی: فرود آمدن یا فرود آوردن یا فرو نهادن است (مانند فرود آمدن هواپیما و پرنده) - «هَبُوط» بمعنی: دچار اشکال و ایراد شدن و از بالا به زمین فرو افتادن یا سرنگون شدن است. برخی اشتباهاً از این واژه برای فرود آمدن هواپیما استفاده می کنند. برای بیان فرود آمدن هواپیما میبایست از جمله از واژه حَطَّ استفاده شود) - «سقوط» بمعنی: فرو افتادن چیز بدرد نخور یا چیز بحال خود رها و ول می شود است. مانند: سرنگون شدن یک رژیم بدرد نخور یا میوه خراب شده - نزول بمعنی: پائین آمدن است - و انهیار بمعنی: فرو ریختن ناشی از پوکی است).

نکته آیه "فرو افتادن یا فرو ریختن ستاره در چاله" است:

وقتی ستاره ای خیلی بزرگ باشد، (بیش از ۱۰۰۰۰۰ برابر زمین باشد) نیروی جاذبه و فشار در ستاره نوترونی آنقدر زیاد می شود که نوترونها تحت فشار خرد می شوند و ماده در هم می شود و به چاله تبدیل می شوند. (نوترون ذره بدون بار الکتریکی است که جرم آن تقریباً مساوی پروتون است و در کلیه هسته های اتمی بجز هسته هیدروژن وجود دارد).

چاله ها چنان نیروی جاذبه قوی دارند که حتی نور نیز نمی تواند آنها را ترک کند. به این خاطر دیده نمی شوند و چاله سیاه نامیده شده اند، (آدم می تواند آنها را هنگامی که گاز مارپیچ (به شکل تصویر) به درون آنها سقوط می کند آنها را ببیند. چون گاز هنگامی که داغ می شود تشعشعات پدربخشش زیادی از خود ایجاد می کند). این چاله ها ستارگان اطراف را به طرف خود می مکند یا می بلعند و در خود فرو می برند. و به این شکل به تعبیر قرآن ستاره در چاله سقوط می کند.

(علت اینکه قرآن «مکیده شدن یا بلعیده شدن ستاره توسط چاله سیاه» را «فرو افتادن ستاره در گودال» تعبیر کرده این است که سمت فرو افتادن (یعنی سمت پائین) سمت کشش نیروی جاذبه است، و سمتی که ستاره توسط نیروی جاذبه چاله سیاه کشیده می شود نیز همان سمت پائین می شود. به این دلیل «مکیده شدن ستاره» توسط چاله سیاه را «فرو افتادن یا فرو ریختن ستاره در چاله» نامیده است).



غذا را با میوه آغاز نمایید

خداوند بزرگ (ج) در قرآن پاک خوردن میوه را بر گوشت مقدم داشته است:

وَفَاكِهَةً مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰) وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱) واقعه

و میوه که از هر نوع خواهند انتخاب کنند، و از گوشت مرغان که مایلند.

وَأَمْدَدْنَاَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (طور-۲۲)

و بر بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت که مایل باشند بیفزاییم.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرموده اند " اگر کسی از شما خواست افطار کند پس با خرما افطار کند زیرا این کار برای او برکت خواهد داشت خوردن میوه قبل از وعده های غذایی در برگیرنده فواید بسیاریست. **میوه دارای مواد قندی ساده و سهل الهضم بوده که به سرعت جذب بدن میشود.** **زیرا معاء این مواد قندی ساده را در مدت بسیار کوتاه (که از چند دقیقه تجاوز نمیکند) جذب می نماید و موجب برطرف شدن عوارض گرسنگی و نیاز بدن به مواد قندی میشود.**

اگر کسی معده اش را از انواع مختلف غذاها انباشته کند حداقل ۳ ساعت طول میکشد تا مواد قندی موجود در غذا جذب بدن شود و عوارض گرسنگی نزد این افراد طولانی تر میگردد. مواد قندی ساده علاوه بر سهل الهضم بودن، منبع انرژی مناسب برای تمام سلول های بدن میباشد. سلول های دیواره معاء از جمله سلول های هستند که مواد قندی را بسرعت استفاده مینمایند. پرز های معاء پس از دریافت مواد قندی آماده پییدامیکنند تا وظیفه خود را در جذب سائر مواد غذایی مفید به نحو احسن انجام دهند. شاید یکی از حکمت های تقدم میوه بر سائر غذا همین نکته باشد.



حرام شمرده شدن گوشت خوک توسط قرآن:

(سوره البقره ایه 173) **إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ**

[خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است

قرآن کریم، انواع غذاها را که برای جسم و روح انسان مفید بوده و ذائقه‌ی او را نیز ارضاء کرده حلال شمرده است، و از طرفی انسان را از خوردن غذاهای مضر و پلید نهی می‌کند.

ممنوعیت از غذاهای غیربهداشتی و تفرآمیز یکی از خدمات دین الهی به بشریت است، زیرا در شرایطی که میکروب کشف نشده بود و اثرات غذاهای پلید در بوجود آوردن بیماری‌ها روشن نبود، آنها را ممنوع اعلام کرده و این خدمت بزرگی در جهت سلامتی انسان‌ها می‌باشد.

یکی از حیوان‌هایی که مصرف گوشت آن در فهرست غذاهای حرام قرار گرفته است گوشت خوک می‌باشد که در قرآن از آن به « لحم خنزیر » یاد شده است.

برخی صاحب نظران در مورد حرمت گوشت خوک به برخی از حکمت‌های قرآن اشاره کرده‌اند که بعضی از آن موارد را در اینجا می‌آوریم در مورد فلسفه‌ی حرمت گوشت خوک از دو جهت می‌توان سخن گفت:

الف. تأثیرات روحی و روانی گوشت خوک:

خوک حتی نزد اروپائیان که از گوشت آن می‌خورند سمبل بی‌غیرتی است و حیوانی کثیف است علاوه بر این تأثیر غذا در روحيات که از نظر علمی ثابت شده است، و تأثیر این غذا در خصوص لأبالی گری در مسائلی مشهود است.



ب. ضررهای بهداشتی و بیماری‌هایی که توسط خوک به انسان منتقل می‌شود:

برخی بیماری‌ها هستند که از جمله عوامل ابتلای به آنها گوشت خوک استو استفاده از گوشت خوک در ایجاد آنها موثر است:

1. اسهال خونی

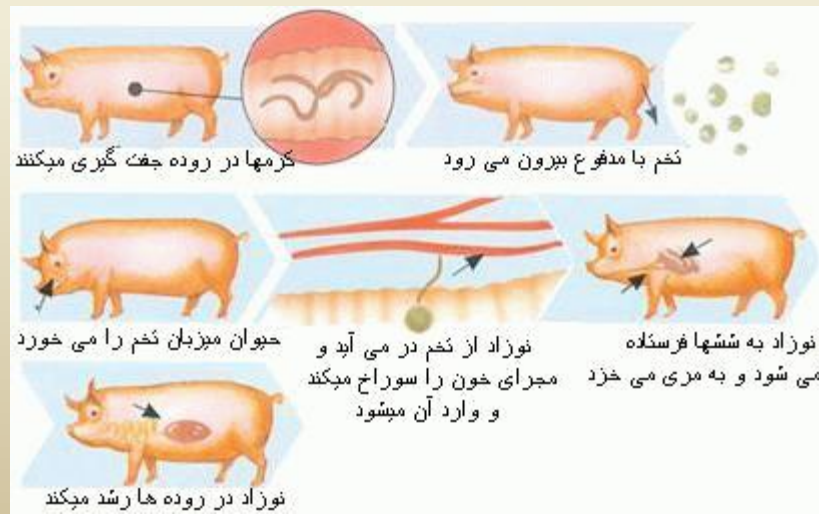
2. یرقان عفونی

3. انتامیب هیستولتیک، که انسان را به اسهال آمیبی مبتلا می‌نماید

اما برخی بیماری‌ها تنها علت آن، خوردن گوشت خوک است از جمله:

1. کرم کدوی خوک: که در عضلات و مغز خوک یافت می‌شود که انسان را دچار نارسائی‌هایی در دستگاه گوارش می‌کند.

2. تری شینوز: این نیز کرم دیگری است که باعث خراشیدن و التهاب جداره امعاء و پیدایش جوش‌ها و دمل‌های پراکنده در تمام بدن و درد شدید عضلانی و سختی تنفس و ناتوانی در سخن گفتن و جویدن غذا و ... می‌شود که تا به حال درمانی برایش پیدا نشده است



پوست در قرآن

(سوره النساء ایه 56) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

کسانی که به آیات ما کافر شدند بزودی آنها را در آتشی وارد میکنیم که هر گاه پوستهای تن آنها (در آن) بریان گردد (و بسوزد) پوستهای دیگری به جای آن قرار میدهیم تا کیفر را بچشند، خداوند توانا و حکیم است (و روی حساب کیفر میدهد)

علامه شیخ محمد متولی الشعرای داستان را اینگونه روایت می‌کند: پروفیسر تایلندی «تا گائات تاگاسن» که از بزرگترین دانشمندان جهان در زمینه علم تشریح است در این کنفرانس در باره اعصاب انسان سخن می‌راند. سخنرانی او بیشتر روی این محور متمرکز بود که اعصاب حسی مستقیماً در زیر پوست انسان قرار دارند به نحوی که اگر پوست انسان بسوزد، دیگر احساس درد هم تماماً از بین می‌رود.

در این هنگام یکی از دانشمندان قرآن پژوه به پا خاست و آیه 56 سوره «نساء» را که خداوند در آن از عذاب اهل دوزخ سخن می‌گوید، تلاوت کرد:

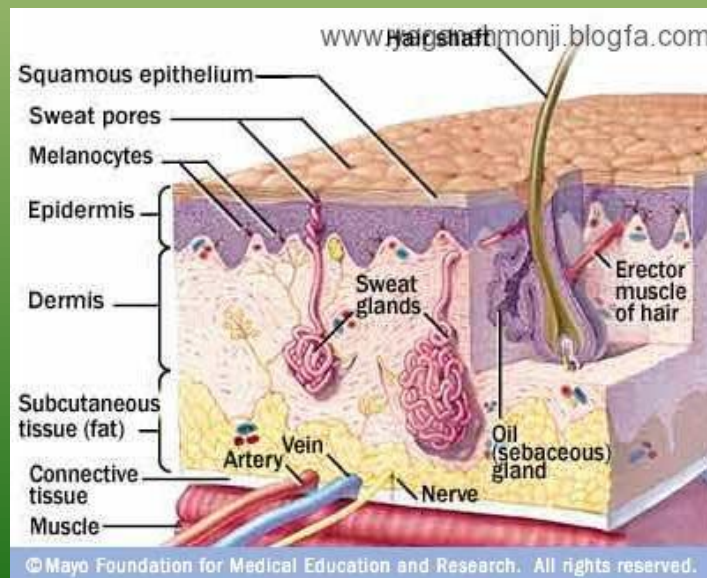
[...كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ]

«به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند، در آتشی سوزان درآوریم که هر گاه پوستهایشان (بسوزد) و بریان گردد، پوستهای دیگری را برجایش نهیم تا عذاب را بچشند، آری خداوند توانا و حکیم است»
و سپس گفت: از آنجا که خدای سبحان می‌خواهد به ما بگوید که عذاب دوزخ برای کافران عذاب دائم و مستمری است که هرگز توقف نمی‌پذیرد، و از آنجا که خدای علیم که خود آفریننده انسان است می‌داند که وقتی پوست انسان بسوزد، احساس درد در او از بین می‌رود، پس در این آیه ما را به این حقیقت متنبه ساخته است که پوست بدن دوزخیان همینکه بسوزد، دوباره به فرمان وی پوست جدید دیگری جانشین آن می‌گردد تا احساس آنها به عذاب الهی همچنان مستمر و پیوسته باقی بماند.



چون این آیات بر پروفیسر «تاگائات تاگاسن» تلاوت گردید، او گفت: آیا به راستی این سخن چهارده قرن قبل گفته شده است؟ گفتند: آری؛ گفت: آخر این حقیقتی است که علم جدیداً به آن پی برده است. بنابراین ممکن نیست که گوینده آن بشری باشد و یقیناً این کلام، کلام خدای سبحان است. دانشمندان عزیز! اینک وقت آن فرارسیده که من در محضر شما به این حقیقت گواهی دهم که: خدایی جز معبود یگانه نیست و اینکه محمد فرستاده برحق اوست. آنگاه با ندای بلند شهادتین را تکرار کرد:

«أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله»



جنین انسان در قرآن - جنین شناسی درست و دقیق

خدای متعال در قرآن مجید مراحل بوجود آمدن انسان را چنین بیان می فرماید:

(ایه 12 سوره 23) **ولقد خلقنا الإنسان من سللة من طین**

ما انسان را از نوعی گل مخصوص آفریدیم.

(ایه 13 سوره 23) **ثم جعلنه نطفة في قرار مکین**

پس از آن، او را از قطره ای کوچک به وجود آوردیم که در داخل محیطی کاملا محفوظ قرار گرفته است.

(ایه 14 سوره 23) **ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظم لحما ثم انشانه خلقا، اخر فتبارک الله احسن الخلقین**

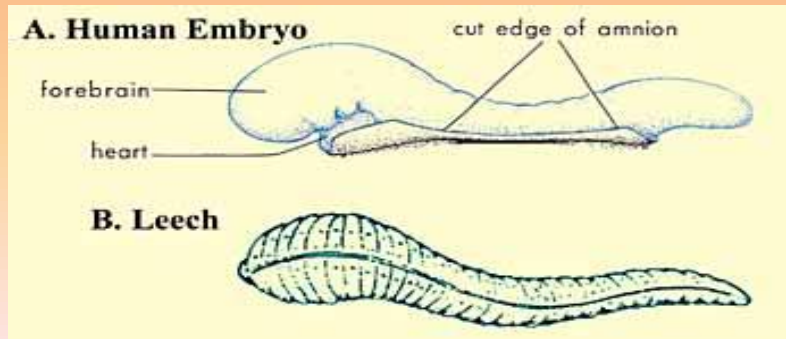
سپس ما آن قطره را به (رویوان) معلق تبدیل کردیم و بعد (رویوان) معلق را به تکه (جنین) رشد دادیم، سپس از تکه (جنین) استخوانها را آفریدیم، آنگاه استخوانها را با گوشت پوشاندیم. این جنین، ما مخلوقی جدید به وجود می آوریم. خجسته ترین خداست، بهترین خالق. در آیه 23 سوره 14 کلمات عربی علقه و مضغه برای بیان حالت های جنین در رحم مادر بکار رفته است. در ادبیات عرب، برای کلمه **علقه** سه معنای متفاوت می یابیم:

1. زالو

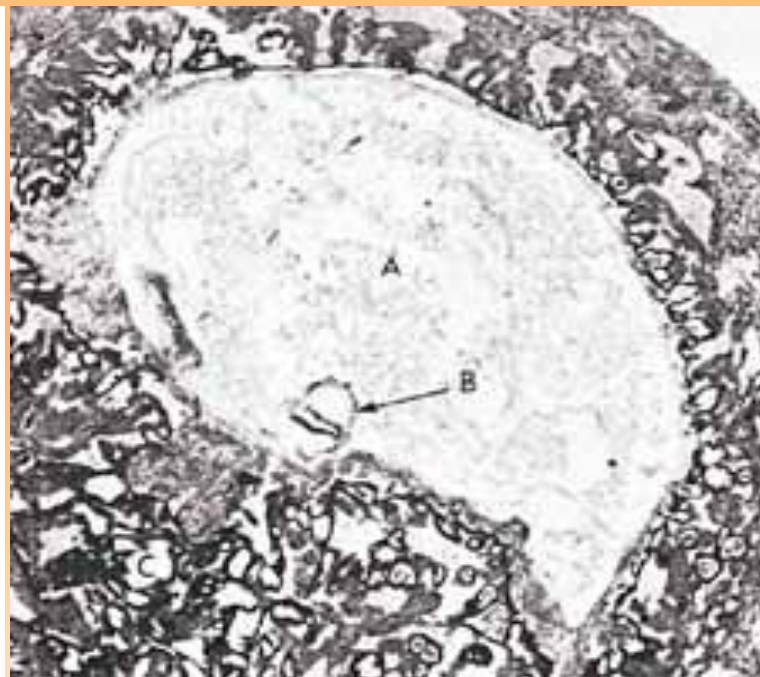
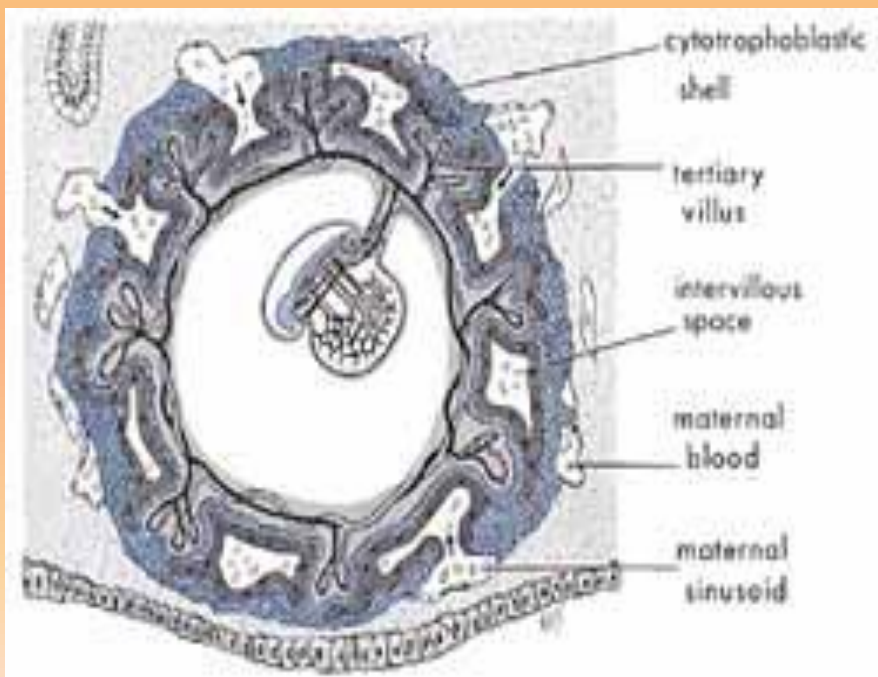
2. یک چیز آویزان

3. توده یا لخته خون

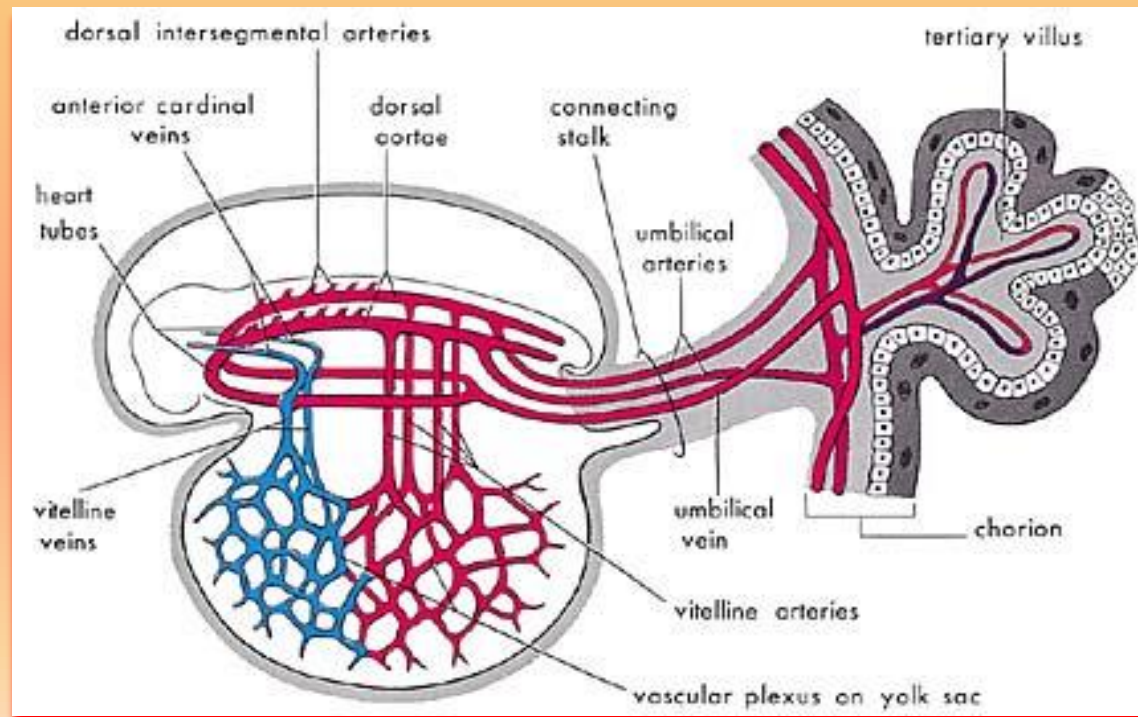
تصویر A در زیر یک جنین را در مراحل ابتدایی شکل گرفتنش در رحم مادر نشان می دهد. تصویر B نمودار یک زالورا نشان می دهد. مقایسه این دو تصویر مارابه حکمت کاربرد لغت علقه توسط خالق مدبرجهان هستی در آیه 23:14 قرآن مجید راهنمایی می کند.



کلمه علقه در زبان عربی همچنین بمعنای یک **شیء آویزان** است. تصاویر زیر عکس یک جنین را در مراحل اولیه شکل گرفتنش در رحم مادر نشان میدهد. این تصاویر که با استفا ده از تکنولوژی فتو میکرو گراف برداشته شده است، آویزان بودن جنین به خوبی (با علامت B) در مرحله علقه (تقریباً 15 روزه گی جنین) در رحم مادر نشان میدهد. اندازه جنین در این مرحله حدود **6/** میلیمتر است.



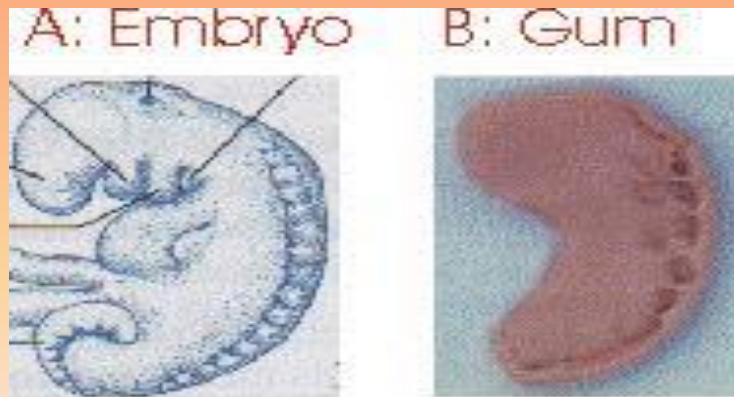
سومین معنای کلمه علقه در زبان عربی مرادف است با یک **توده یا لخته خون**. نمودار زیر یک جنین را درحالی که از رحم مادر آویزان است نشان میدهد. وجود مویرگهای انبوهی که در آنها خون جاری است



حال بیایید عقل و وجدان خود را به داوری بخوانیم. چگونه بشری بدون اتکاء به علم خالق انسانها و بی هیچ دسترسی به علوم و تکنولوژی پزشکی امروزه می توانست چنین تعبیر دقیق و علمی از شکل گرفتن جنین در رحم مادر را آورده باشد!!!

خجسته باد نام خدا خالق آسمانها و زمین و هستی دهنده تمام موجودات.

اما مرحله بعدی شکل گرفتن جنین در قرآن مجید مضغه نامیده شده است که به معنای چیز جویده شده است. تصویر زیر شکل جنین را در مرحله مضغه (A) با شکل یک قطعه آدامس جویده شده نشان میدهد (B). تشابه این دو شکل باز فرد عاقل را از دقت علمی کاربرد مفاهیم طبیعی در قرآن کریم متحیر می کند.



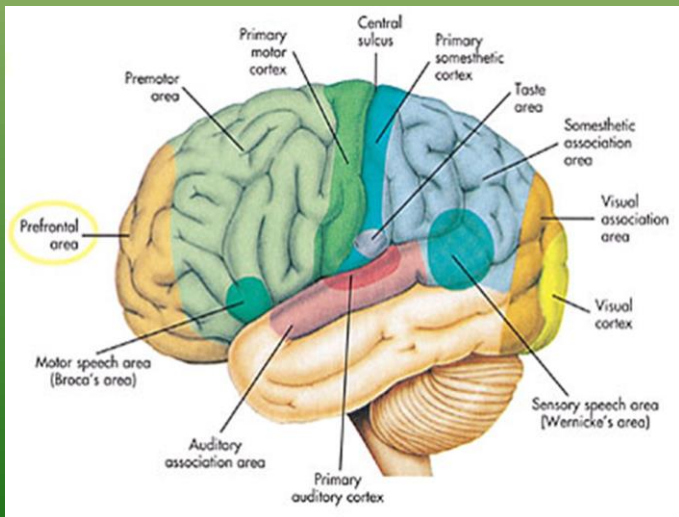
قسمت پیشین مغز در قرآن

در سوره ۹۶ آیه ۱۵ خدای متعال در مورد کسی که دیگران را از دعا و نیایش باز میدارد میفرماید که اگر او به کفر بگردد و از اعمالش دست برندارد ما او را با پیشانی (جلوی سر) خواهیم گرفت:

كَلَّا لئن لم ینته لسنفعا بالناصیة

مسلمًا، اگر دست بردارد، او را با جلوی سر خواهیم گرفت .

قسمت پیشین مغز محل تصمیم گیریهای مهم انسان است. در این بخش از مغز، برنامه ریزی، انگیزش، تصمیم گیری در مورد کارهای درست و غلط و راستگویی و دروغگویی صورت میگیرد. همانطوری که خالق انسانها در قرآن کریم بدرستی و دقت بیان فرموده است تصمیم گیری در مورد گرایش به طریق کفر و یا ایمان در پیشانی (جلوی سر) انسانها صورت میگیرد. این قسمت از مغز است که مسئول رفتار انسانهاست. بنابراین آیا طبیعی نیست که خدای دانا و توانا انسانهای گناهکار و کافر را از جلوی سر گرفته در روز قیامت به بازخواهی بطلبد؟



حیوانات از بخش جلو مغز خود هدایت می شوند

(سوره هود ایه ۵۶) اِنِّی تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبِّی وَرَبُّکُمْ مَّا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اَخِذْ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ

«من به خدا آفریننده خودم و آفریننده شماها توکل کردم، هیچ حیوانی وجود ندارد که او از ناحیه جلو مغز آن هدایت نکند.»

تاکنون برخی از حیوانات شناخته شده اند که در مغز خود عنصر قطب نمائی دارند، که به کمک جریانهای مغناطیسی شمالی - جنوبی زمین که در تصویر وضعیت آنرا می بینیم هدایت میشوند. حیوانات با عنصر قطب نمائی خود محل زندگی و مسیر پرواز و حرکت خود را میشناسند. اگر آهن ربائی را در نزدیکی مغز یک پرنده ببندیم، سیستم جهت یابی مغز وی را مختل می کند و پرنده نمی تواند مسیر و محل زندگی خود را پیدا کند. (قرآن هر جانوری را (دابة) یعنی حیوان می نامد. و منظور ما از حیوانات در اینجا مطلق جانداران است که شامل پرنندگان و حشرات و ماهی ها و غیره همه می شود).



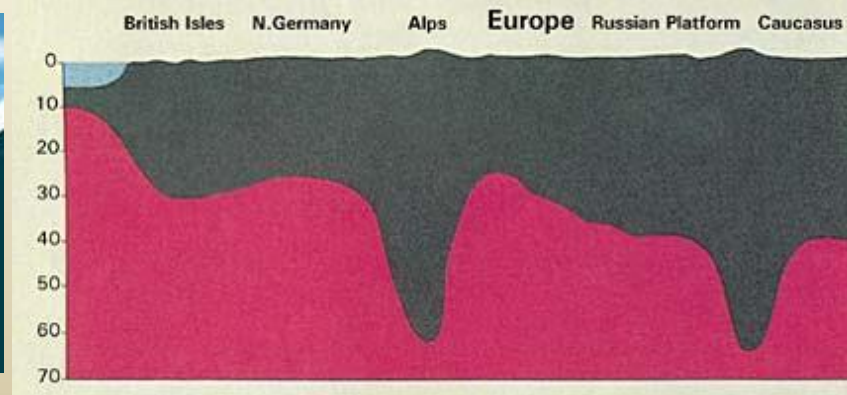
کوه ها در قرآن

فقط بخش کوچکی از حجم کوهها در سطح زمین قرار دارند و قابل رویت می باشند. پایه ها و ریشه های کوهها گاه کیلومترها در اعماق زمین همانند میخهایی عظیم در داخل زمین فرورفته است. این یافته علمی زمین شناسان که تا چند دهه پیش برای انسانها پوشیده بود در قرآن کریم بنحو مطلوبی بوضوح توسط خالق آسمانها و زمین بیان گردیده است:

(ایه ۷ سوره ۷۸) **والجبال أوتادا**

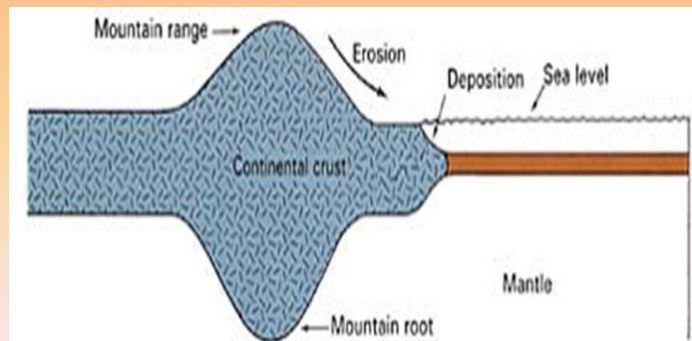
و کوه ها را همچون میخهایی (بناکرد)؟

همانطوری که در تصویر زیر دیده می شود، کوه ها ریشه های عمیقی دارند که همچون میخهایی در زمین فرو رفته اند.



بیایید اندکی در این آیه های عظیم قرآن تفکر کنیم. اگر عقل خود را به قضاوت طلبیم و از پیش داوری های شکل گرفته از تعصبات و باورهای فرهنگی و سنتی اجتناب کنیم درمی یابیم که چه گوهرهای نابی در این کتاب آسمانی آشکار و نهفته است. چگونه یک انسان بدون اتکاء به علم خالق آسمانها و زمین می توانست در یکی از ابتدائی ترین جوامع بشری از لحاظ علمی بدین زیبایی و دقت پدیده های طبیعی را بیان کند؟ زمین شناسان امروز ثابت نموده اند که کوهها بمانند میخهایی عظیم باعث ثبات و استقرار زمین می شوند و زمین را از لغزش های مکرر باز می دارند. حال بیایید به قرآن مجید رجوع کرده و ببینیم که چگونه این مفاهیم زیبایی و دقت در این کتاب آسمانی بیان شده است:

(ایه ۱۵ سوره ۱۶) **وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسَبُلًا لعلَّكُمْ تَهْتَدُونَ**
و او در زمین استحکاماتی (کوه ها) برای توازن قرار داد تا مبادا با شما بلغزد، همین طور رودخانه ها و جاده ها، باشد که هدایت شوید.



دریاها و رودخانه ها در قرآن

خدای آگاه و دانا به همه علوم، در قرآن کریم در سوره الرحمن آیه های 19 و 20 اشاره به جدا بودن دو دریا در محلی که بهم می پیوندند نموده و می فرماید که حائلی میان دو دریا قرار داده شده است تا از مخلوط شدن آنها جلوگیری کند:

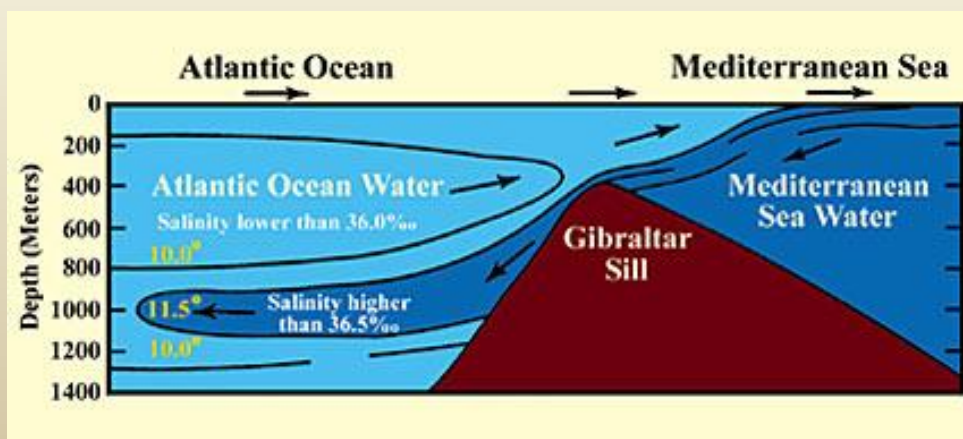
مرج البحرين يلتقيان

او دو دریا را در جایی که به هم می پیوندند، از هم جدا می کند.

بينهما برزخ لا يبغيان

حائلی میان آنها قرار داده شده است، تا از تجاوز به حدود یکدیگر جلوگیری کند.

علوم دریا شناسی امروز بوضوح این پدیده را باثبات رسانیده است. هنگامی که دریای مدیترانه در جبل اطارق به اقیانوس اطلس می ریزد، با توجه به اختلاف درجه حرارت، شوری و غلظت، مانعی بین آنها قرار می گیرد همانطوری که در تصویر زیر نشان داده شده است.



همچنین مدبر آسمانها و زمین در سوره مبارکه فرقان آیه ۵۳ به حایلی محکم و نفوذ ناپذیر که بین دو دریای شور و شیرین قرار گرفته و باعث جدایی آنها می گردد اشاره می فرماید:

(۲۵:۵۳) وهو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات وهذا ملح أجاج وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا

[۲۵:۵۳] اوست که دو دریا را به هم می پیوندد؛ یکی تازه و گواراست، در حالی که دیگری شور و غیر قابل نوشیدن. و او آنها را با حایلی محکم و نفوذ ناپذیر (تبخیر) از هم جدا کرد.



عمق دریاها و موجهای داخلی دریاها در قرآن

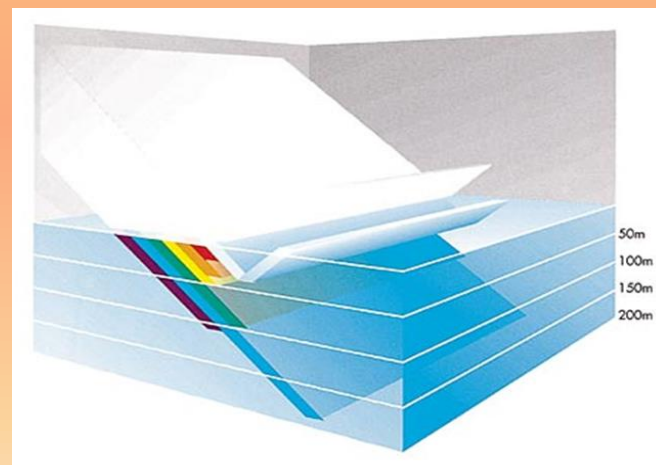
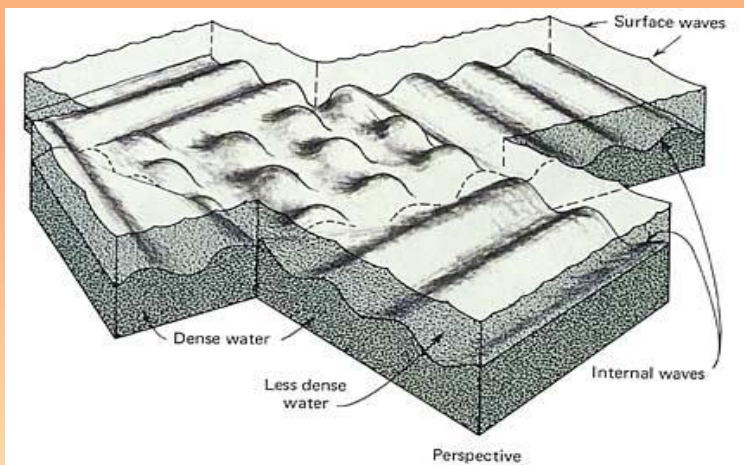
خدای متعال در کتاب آسمانی قرآن در سوره مبارکه نور آیه 39 اعمال کافران را به سرابی تشبیه می فرماید که شخص تشنه فکر می کند آن آب است، اما هنگامی که به آن می رسد، می فهمد که چیزی نیست و در عوض، خدا را آنجا می یابد، تا جزای کامل اعمالش را بدهد. سپس در آیه بعدی در مورد کافران تشبیه دیگری می آورد که شاید برای مردمی که در زمان پیامبر اسلام می زیستند عجیب و شگفت انگیز بود. در آیه 40 سوره نور خدای رحمان شخص کافر را به کسی که در داخل اقیانوسی خروشان قرار دارد تشبیه می فرماید که موجهایی که روی آنها موجهای دیگر و در بالای آنها مه غلیظ قرار گرفته شده است:

أو كظلمت في بحر لحي يغشيه موج من فوقه موج من فوقه سحب ظلمت بعضها فوق بعض إذا أخرج يده لم يكد يرياها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور

مثال دیگر، بودن در تاریکی مطلق است در داخل اقیانوسی خروشان، با امواج روی امواج، توام با مه غلیظ. تاریکی روی تاریکی- اگر شخص به دست خود نگاه می کرد، به سختی می توانست آن را ببیند. خدا هر که را از نور محروم کند، او هیچ نوری نخواهد داشت.

در آیه 40 سوره نور خدای متعال اشاره به تاریکی در درون اقیانوسها دارد. بر طبق علوم اقیانوس شناسی بین 3 تا 30 درصد نور خورشید در سطح دریا بازتاب می یابد. سپس، همانطوری که تصویر صفحه بعد نشان می دهد،(در واقع رنگها دارای هفت طیف اند، که عبارتند از : آبی، زرد، سبز، نارنجی پررنگ، قرمز... با فرو رفتن در آب، رنگها یکی بعد از دیگری ناپدید می شوند. با از بین رفتن هر یک از آنها بر تاریکی در عمق آب افزوده می شود.) ابتدا رنگ قرمز از بین می رود، سپس نارنجی، زرد و... تا اینکه در 200 متر اول عمق دریا، تقریباً تمامی رنگهای طیف نور بجز رنگ آبی جذب میشوند.

نکته ای که توجه متفکران را به خود جلب می کند اشاره خدای حکیم به وجود دو موج در اقیانوس ها است. با تکامل تکنولوژی و فرستادن زیر دریایی های مخصوص به اعماق اقیانوسها، دانشمندان متوجه گشتند که بعلاوه غلظت بیشتر آبهای واقع در اعماق اقیانوسها (در مقایسه با آبهای سطحی) دو نوع موج در درون آنها پدید می آید، موجهای داخلی و موجهای سطحی. همانطوری که شکل زیر نشان می دهد موجهای داخلی در محل برخورد دو لایه آب با چگالیهای مختلف که یکی از آنها دارای چگالی بیشتر (لایه زیرین) و دیگری دارای چگالی کمتر (لایه بالایی) است بوجود می آیند. چگونه بشری که هزار و چهار صد سال پیش در بیابانهای سوزان عربستان می زیسته است می توانست بدون اتکاء بعلم الهی از موجهای درونی اعماق اقیانوسها مطلع گردد؟



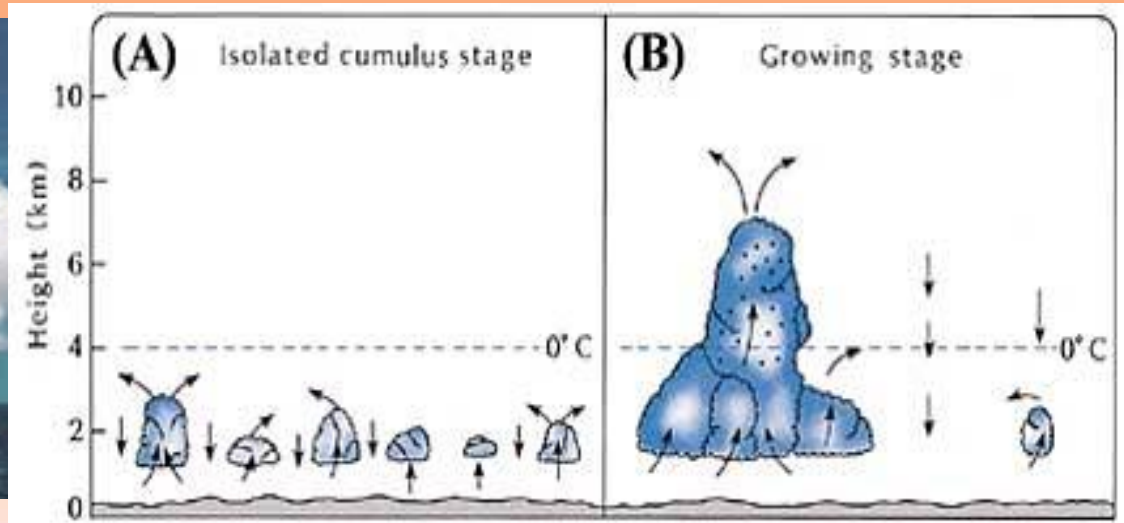
ابرها در قرآن

خدای دانا در قرآن مجید مراحل تشکیل ابرها و بوجود آمدن باران را در سوره مبارکه نور آیه 43 به زیبایی بیان می فرماید:

ألم تر أن الله يزجي سحابا ثم يؤلف بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق يخرج من خلاله وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالأبصر

آیا توجه نمی کنی که خدا ابرها را می راند، سپس آنها را با هم جمع می کند، بعد آنها را روی هم انباشته می سازد، سپس می بینی که از آنها باران بیرون می آید؟ او بار برف را از آسمان فرو می فرستد تا هر که را بخواهد بپوشاند و از هر کس بخواهد دور سازد. نزدیک است که درخشندگی برف نور چشمان را برباید.

باز هم تشریح خدای بزرگ در قرآن کریم از نحوه بوجود آمدن ابرها و باران مطابق یافته های علمی است. در شکل زیر در قسمت (A) تکه ابرهای کوچک مجزا و در قسمت (B) ابرهای کوچک به هم می پیوندند و بر روی هم انباشته می شوند و سپس قطرات آب فرو می افتند.



معجزه علمی قرآن در مورد جو زمین و آسمان ها

در قرآن خداوند توجه ما را به موضوع مهمی در مورد جو زمین جلب می کند.

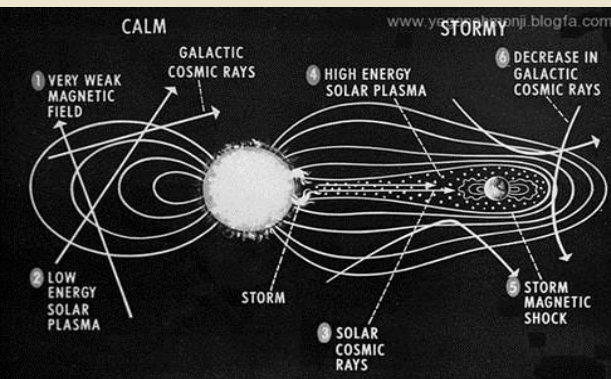
(آیه ۳۲ سوره انبیا) **وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْوًَا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ**

و آسمان را سقفی محافظ قرار دادیم ولی آن ها از نشانه های او روی گردان هستند.

این خاصیت آسمان با تحقیقات دانشمندان در قرن ۲۰ ثابت شد. جوی که اطراف زمین را فراگرفته است دارای عملکرد های حیاتی بسیار مهمی است. یک نقش آن حفاظت کردن زمین در مقابل شهاب سنگ های کوچک و بزرگ است تا به زمین برخورد نکنند.

علاوه بر این جو زمین ، تشعشعات خورشیدی را صافی می کند و اجازه نمی دهد که همگی آن ها از جو عبور کنند زیرا بسیاری از آن ها برای حیات روی کره زمین بسیار خطرناک هستند. جالب است که جو تنها تشعشعات مفید و بی ضرر شامل نور قابل مشاهده ، فرکانس محدوده اشعه فرابنفش و امواج رادیویی را اجازه عبور می دهد. تمامی این تشعشعات برای حیات روی زمین ضروری هستند. فرکانس محدوده اشعه فرابنفش که جو زمین تنها مقداری از آن را اجازه عبور می دهد برای انجام عمل فوتوسنتز که در گیاهان انجام می شود بسیار مهم است. بیشتر تشعشعات فرابنفش قوی که از طرف خورشید ساطع می شوند توسط جو گرفته می شوند و فقط قسمت ضروری و کمی از آن طیف به زمین می رسد.

نقش حفاظتی جو به این جا خاتمه نمی یابد. جو همچنین زمین را در مقابل دمای بسیار کم فضای بیرونی که حدود ۲۷۰ درجه سانتی گراد زیر صفر است حفاظت می کند. نقش حفاظتی جو به این جا خاتمه نمی یابد. جو همچنین زمین را در مقابل دمای بسیار کم فضای بیرونی که حدود ۲۷۰ درجه سانتی گراد زیر صفر است حفاظت می کند.



All around us. Early NASA photo showing just some of the elements in the electromagnetic spectrum. Our atmosphere blocks many harmful waves.

باد های بارور کننده

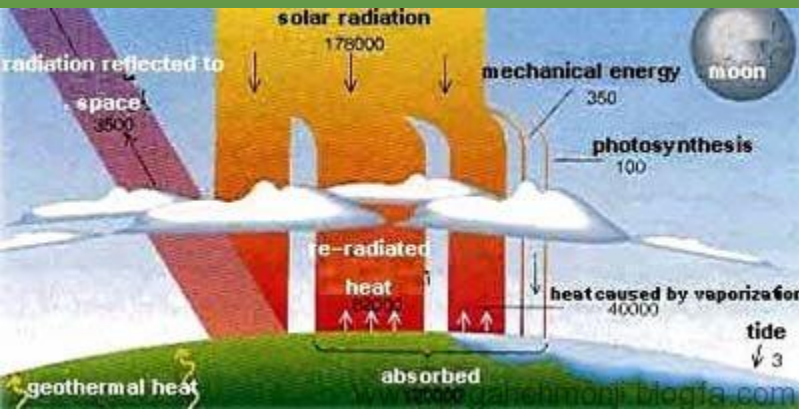
(سوره بحر آیه 22) وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

(ما بادها را برای تلقیح) ابرها و بهم پیوستن و بارور ساختن آنها فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم با آن سیراب ساختیم، در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید.

در این آیه اشاره شده است که اولین مرحله شکل گیری باران، باد می باشد. تا ابتدای قرن ۲۰ تنها رابطه شناخته شده بین باد و باران این بود که باد ابرها را حرکت می دهد. ولی اکنون علم هواشناسی نقش باروری بادها را در تشکیل باران نشان داده است.

نقش باروری بادها به صورت زیر است:

بر روی سطح اقیانوس ها و دریا ها به خاطر برخورد جریان های آب، حباب هایی تشکیل می شود. وقتی این حباب ها می ترکند هزاران ذره با قطری معادل یک صدم میلیمتر به هوا پرتاب می گردند. این ذرات که آروسول (aerosols) نامیده می شوند با گرد و غبار آورده شده توسط باد ها ترکیب می شوند و به لایه های بالاتر جو برده می شوند. این ذرات که توسط باد به ارتفاعات بالا برده شده اند با بخار آب ترکیب می شوند. بخار آب در اطراف این ذرات متراکم می شود و به قطره های کوچک آب تبدیل می گردد. این قطره های کوچک آب در کنار هم تشکیل ابر می دهند و به صورت باران فرود می آیند. همان طور که دیدیم، باد ذرات بخار آب را در هوا بارور می کند و در نهایت به شکل گیری ابرها کمک می کند. اگر باد چنین خاصیتی نداشت، ذرات کوچک آب در ارتفاعات بالا شکل نمی گرفتند و باران ایجاد نمی شد.



قرآن و تشکيل تگرگ

(سوره نور ايه 43) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

آيا ندانسته‌ای که خدا [ست که] ابر را به آرامی می‌راند سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد آنگاه آن را متراکم می‌سازد پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [خداست که] از آسمان از کوههایی [از ابر یخزده] که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی برقش چشمها را ببر د

ابره‌ای متراکم:

وقتی ابرها خود روی هم متراکم شوند، و ابرهای بزرگتر را تشکیل می‌دهند، چنانکه خداوند در قرآن کریم فرموده است: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ) ابرها را روی هم متصل میگرداند، (ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا)، یعنی متراکم میسازد. (ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ) در ابرهای کوه مانند پارچه‌های یخ وجود دارد که با گردش آنها تگرگ تشکیل می‌شود.

(وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ) از آسمان از ابرهای کوه مانند آن، تگرگهای بزرگی را فرو می‌آورد، و هر کس را بخواهد به آن ضرر میرساند، و هر کس را بخواهد از زیان آن برطرف می‌کند. درخشندگی برق (حاصل از اصطکاک) ابرها (آن اندازه نیرومند است) نزدیک است چشمها را (خیره و) از میان بردارد. به این نتیجه خواهد رسید که ابرهای باهم متصل می‌شوند، چرا قرآن از کلمه تألیف استفاده نموده است، تألیف بمعنای چند چیز مختلف را در کنار هم گذاشتن و به هم پیوند دادن است. علت اینکه قرآن کریم کلمه تألیف بکار برده این است که پاره ابرها از نظر غلظت بخار آب و ترکیبات و غیره با هم فرق می‌کند. چرا قرآن کریم از حرف (فا) استفاده کرده است؟ حرف (فا) به تعقیب و ترتیب دلالت میکند، که بسرعت می‌انجامد.

دانشمندان میگویند : وقتی تگرگ از میان یک منطقه تحت صفر و منطقه ریزهای یخی در ابر می افتد ابر الکتریست می شود, وزمانی قطره های مایع با دانه های تگرگ بر خود میکنند سریعاً هنگام تصادم یخ می بندند. این عمل سطح دانه تگرگ را از ذرات یخ دور تا دور گرم ترنگه می دارد. این آیه مبارکه بیان گر چنین واقعه می باشد): **فیصیب به من یشاء ویصرفه عن یشاء یکاد سنا برقه یذهب بالأبصار (سنا" درخشندگی. پرتو. اینجا اشاره به رعد و برقهای**

برخی از محققان می گویند منظور از پیوستگی (یولف) در آیه فوق ،ایجاد الکتریسیته است که خبر نوید بخش نزول باران را به انسان می دهد و بر اثر برخورد ابر هایی که دو بار منفی و مثبت دارند تخلیه ی الکتریکی به صورت نور و غرش ظاهر می شود.



شهادت آب

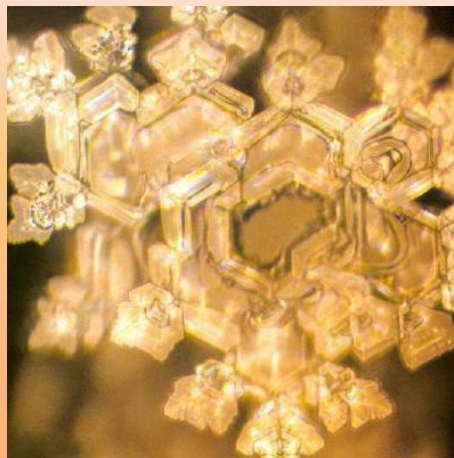
(سوره اسراء آیه ۴۴) می فرماید: (تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا) " آسمانهای هفتگانه و زمین و همه کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او را می گویند، هر موجودی تسبیح و حمد او را می گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید. او بردبار و آمرزنده است. " این آیات مبارک ما را با مسئله ای آشنا می کند که آن را درک نمی کنیم، اما وجود دارد و ما همچون مؤمنان به هر آنچه که در کتاب خدا آمده است، ایمان داریم. اما چگونه می توان کسی را که به این کتاب آسمانی ایمان ندارد، قانع کنیم؟

با توجه به اینکه تسبیح نمودن نیاز به هوشمندی دارد نتیجه می گیریم که همه ذرات هستی دارای درک- فهم و شعور هستند و در برابر تک تک اتفاقاتی که می افتد از خود واکنش نشان می دهند. آب یکی از این چیزهاست. آب نیز هوشمندانه در برابر زشت و زیبا و مثبت و منفی واکنش نشان می دهد. یکی از دانشمندان ژاپنی به نام « ماسارو ایموتو » در حدود ده هزار آزمایش بر روی آب انجام داده و به هوشمندی آب پی برده است. او ملکولهای آب را در شرایط مختلف تصویر برداری نموده و به نتایج شگفتی دست پیدا کرده است.

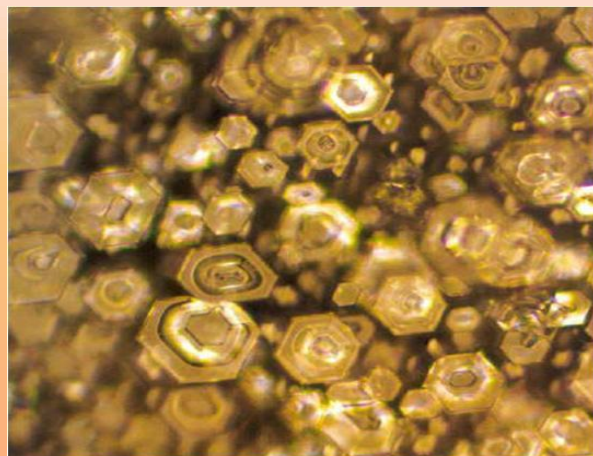
در آزمایشهای ایموتو (دکتر Masaru Emoto در ژاپن متولد و از دانشگاه یوکوهاما و دانشگاه بین المللی با مدرک دکترای Alternative Medicine فارغ التحصیل شد. دکتر Emoto و تیمش در طی یک دوره ۱۵ ساله ثابت کرده است که لغات می توانند بر سلامتی انسان و حیوانات و رشد گیاهان تأثیر گذاشته و نیز باعث ایجاد واکنشهای عجیب آب شود.) بسیاری از عواملی که ما آنرا منفی می دانیم باعث زشت شدن ملکولهای آب شد. در این زمینه دکتر فرهنگ مواردی را که در آزمایشهای ایموتو باعث زشت شدن ملکولهای آب شده بودند نام برده از جمله: ۱- ساکن و بی حرکت بودن طولانی مدت آب ۲- قرار گرفتن افراد با تفکرات منفی در نزدیکی آب ۳- پخش صدای موسیقی های بسیار تند در نزدیکی آب ۴- قرار گرفتن آب در فاصله نزدیک با نوشته های منفی با هر زبان ۵- دستور دادن به آب!

دکتر فرهنگ گفته که در آزمایشهای ایموتو موارد زیر باعث زیبا شدن ملکولهای آب شد: ۱- دور بودن آب از شهرها. در این آزمایشها ملکول آبهای موجود در کوهستان و چشمه ها بسیار زیبا بودند ۲- دعا کردن. هر چه اخلاص در دعا بیشتر بود ملکول آب زیباتر می شد. ۳- نزدیک شدن انسان با تفکرات مثبت به آب ۴- نوعی موسیقی محلی ژاپنی (این موسیقی ملایم و شاد است) ۵- قرار گرفتن آب در معرض نوشته های مثبت. پس بی علت نیست که در اسلام نوشتن برخی دعاها بر ظرف و نوشیدن آب از آن نیکو و مفید شمرده شده است. ۶- قرار گرفتن آب در نزدیکی گلها و گیاهان

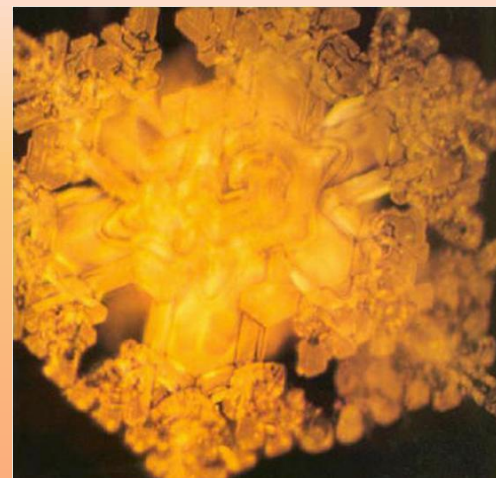
در اشکال زیر می توانید بلور آب هایی را که در شرایط مختلفی قرار داشته اند را با هم مقایسه کنید:



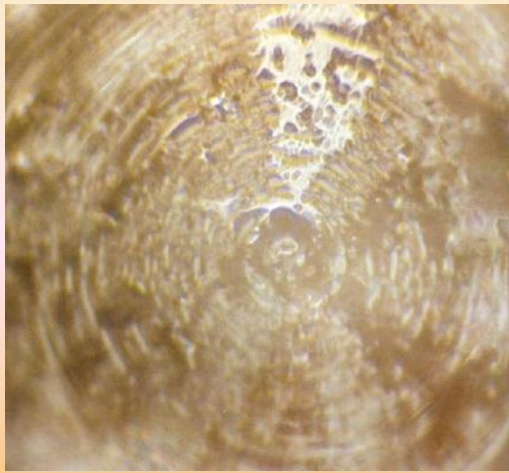
بلور آبی که در معرض
موسیقی
باغ قرار گرفته است.



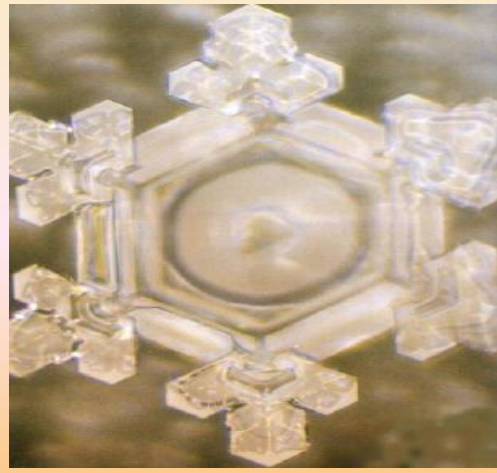
بلور آبی که در معرض موسیقی چایین
قرار گرفته است.



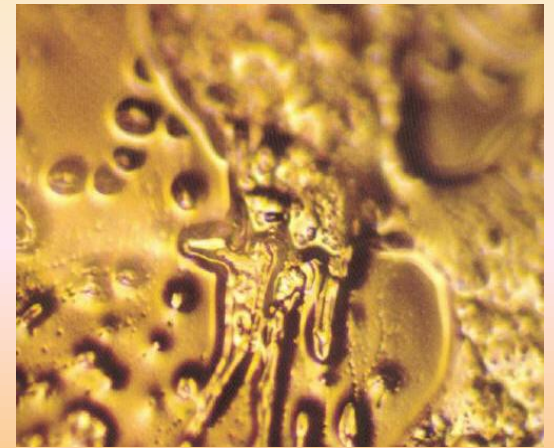
بلور آبی که در معرض
موسیقی شفا بخش
"Hado"
قرار گرفته است.



بلور آبی که در معرض موسیقی
Heavy Metal
قرار گرفته است.



بلور آب ریخته شده در یک بطری
که کلمه "منتشکر" روی آن
نوشته شده است.



بلور آب ریخته شده در یک
بطری که جمله "تو مرا مریض
می‌کنی، من تو را می‌کشم."
روی آن نوشته شده است.



بلور آب.

آب بهاری در سایجو،
هیروشیما.



بلور آب.

چشمه لوردس،
فرانسه.



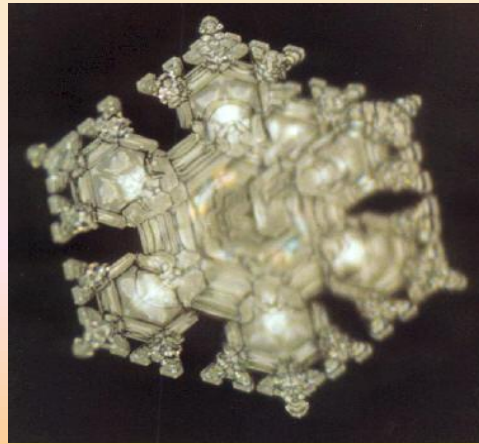
بلور آب.

رودخانه هوربتسو،
هوکیدو.



بلور آب.

سرچشمه متوري
يوسويي
آب بهاري



بلور آب.

رودخانه شيمانتو،
کوچي.

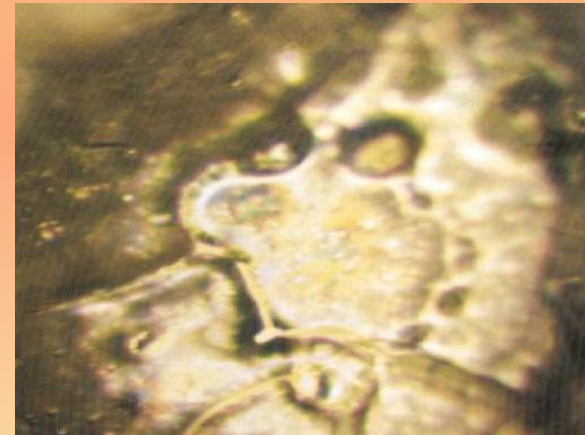


بلور آب.

کوهستان کوک گلاسیر،
نیوزیلند.



بلور آب سد Fujiwara بعد از تقديم مناجات



بلور آب سد Fujiwara قبل از تقديم مناجات

پیام رسانی مورچه ها در قرآن

(سوره النمل ایه 18) حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

تا چون به سرزمین مورچه ها رسیدند، مورچه ای گفت: ای مورچه ها به لانه هایتان وارد شوید، مبادا سلیمان و لشکرش پایمالتان کنند و خود آگاه نباشند .

در آیه بالا مورچه خطر قریب الوقوعی که در کمین مورچه ها است را در طی چهار مرحله متوالی به شرح زیر می گوید:

1. "ای مورچه ها " این اولین اعلام خطری است که توسط مورچه داده می شود تا توجه دیگر مورچه ها را به سرعت جلب کند. مورچه های دیگر با گرفتن این پیام صبر می کنند تا دیگر پیام ها را توسط همان مورچه دریافت کنند.

2. "به لانه ایتان وارد شوید" در این جا گوینده پیام، جملاتش را با دیگر پیام ها ادامه می دهد و به مورچه های دیگر می گوید که چه کار باید بکنند. ما این رابطه را که توسط علم امروزی کشف شده در قسمت دوم این نوشته می بینیم (که در ارتباطات بین مورچه ها است)

3. "مبادا سلیمان و لشکرش پایمالتان کنند" در این جمله مورچه دلیل این خطر را به مخاطب خود می گوید و این آن چیزی است که ما امروزه توسط بررسی علمی اثبات می کنیم .

4. "و خود آگاه نباشند" مورچه ها، به عنوان عکس العملی در مقابل خطر قبلی، یک نوع دفاع مشخصی از خود بروز می دهند. در این چند جمله آخری، مورچه به مخاطبان خود می گوید که به منبع خطر حمله نکنید زیرا خطر از یک دشمن واقعی نیست- زیرا سلیمان و همراهانش از وجود لانه مورچه ها در سر راه خود خبر ندارند و قصد حمله به آن را نیز ندارند بنابراین مورچه ها آن ها را خطر واقعی نمی دانند.

در کلمات آخر، مورچه پیام رسان، همراهانش را از رسیدن سلیمان با خبر کرد و این چیزی است که ما به صورت علمی و از طریق بررسی رمز های شیمیایی ارتباطی مورچه ها توضیح می دهیم.

مورچه ها از ارتباط شیمیایی در موقعیت های اخطار و دفاعی و همچنین زمانی که تبادل سریع اطلاعات نیاز باشد و نیز زمانی که با خطری مواجه باشند استفاده می کنند.

این اخطار معمولا توسط صدور علامت های شیمیایی دفاعی مشخص می شود. غده های دفاعی مسئول ایفای نقش اخطار و دفاع هستند. به عنوان مثال مورچه استرالیایی رادر نظر بگیرید. وقتی این مورچه ها با خطر مواجه می شوند، قطرات کوچکی را از غده دفاعی خود ترشح می کنند - این يك فرمان برای دیگر مورچه ها است تا فرار کنند و با شاخك های خود ارتعاشی ایجاد کنند که به معنای قرار گیری در موقعیت خطر است.

اولین ماده که توسط مورچه ها شناسایی می شود **aldehyde hexanal** است و باعث جلب توجه و علاقه آن ها می شود. در نتیجه شاخك های خود را تکان می دهند و بالا می برند تا دیگر بوهارانیز بگیرند .

وقتی که آن ها (**hexanol** اولین پیغام به شکل الکل بود) را دریافت می کنند موقعیت خطر به خود می گیرند و در تمامی جهت ها می دوند تا منبع مشکل را پیدا کنند. زمانی که **undécanone** دریافت کنند، مورچه ها را به سمت منبع خطر می برد و آن ها را تحریک می کند تا تمام اشیا خارجی را گاز بگیرند. سپس در نهایت وقتی که به هدف نزدیک تر می شوند **butyloctenal** را تشخیص می دهند که پرخاشگری و آمادگی آن ها را برای قربانی کردن خود افزایش می دهد .

ارتباط شیمیایی مهم ترین روش ارتباط در زمان خطر و گزارش دادن این خطر است. در این فرایند مورچه ها انواع مختلف این مواد که هر کدام رمز تفاوتی دارد و بیانگر نوع خاصی از صحبت کردن است را استفاده می کنند. اگر انتشار موادی که توسط مورچه ای که آن خطر را اعلام کرد تعقیب کنیم می بینیم که کاری می باشد که مورچه مورد اشاره در آیه 18 سوره نمل آن را انجام داده است.

موادي که مورچه در موقعیت هايي مثل این از بدن خود ترشح مي کند به چهار دسته تقسیم مي شوند که هرکدام زبان و علامت مخصوص به خود را دارند.
مراحل پي در پي عکس العمل مورچه ها:

aldéhyde hexanal اولین ماده شیمیایی است که مورچه در صورت احساس خطر از خود ترشح مي کند. و آن را مي توان به عنوان آژیر خطر دانست. مورچه ها با دریافت این ماده شروع به جمع شدن در يك نقطه مي کنند و منتظر رسیدن بقیه علامت ها مي شوند و این شبیه اولین مرحله است که توسط مورچه در جمله "اي مورچه ها" گفته شد.

سپس مورچه دومین ماده شیمیایی "**hexanol**" را ترشح مي کند.

با دریافت این ماده مورچه ها شروع به دویدن در تمامی جهت ها مي کنند تا منبع این ماده را پیدا کنند. مورچه اي که ماده شیمیایی را ترشح مي کند باید مسیری را که بقیه مورچه ها باید از آن کنار بروند را معین کند و این کاری است که مورچه حضرت سلیمان انجام داد و از بقیه مورچه ها خواست که وارد لانه هایشان بشوند و گفت: "به لانه هایتان وارد شوید" و این دستوری از گوینده است و به بقیه مي گوید که به طرف لانه هایشان بروند. بنابراین باید مسیر را مشخص کرده باشد و این شبیه هدایت مورچه ها مي باشد **Undécanone**. سومین ماده اي است که مورچه ترشح مي کند. این ماده نشان دهنده عامل خطر است و چیزی که مورچه در سومین عبارت گفت "مبادا سلیمان و لشگرش پایمالتان کنند" مي بینید که چه قدر مطابقت و سازگاری دارد؟ در این مرحله مورچه ها آماده مواجهه با خطر مي شوند.

در مرحله چهارم مورچه اخطار دهنده ماده شیمیایی مخصوصی را ترشح مي کند که **butylocténal** نام دارد. توسط این ماده گوینده دستور دفاع مي دهد و نوع دفاع را تعیین مي کند. بنابر این در عبارت آخر مي گوید "و خود آگاه نباشند" با این کار مورچه از وارد شدن بقیه مورچه ها به مرحله حمله جلوگیری مي کند که مي توانست منجر به مرگ شود.

حال اجازه دهید خلاصه مطالب را برایتان بگوییم:
"تا چون به دره مورچه ها رسیدند، مورچه ای گفت: ای مورچه ها به لانه ایتان وارد شوید، مبادا
سلیمان و لشگرش پایمالتان کنند و خود آگاه نباشند".
یکی از مورچه ها می گوید ای مورچه ها

Hexanal

به لانه هایتان وارد شوید

hexanol

مبادا سلیمان و لشگرش پایمالتان کنند

undécanone

و خود آگاه نباشند

butylocténal



اشاره ی بسیار عجیب قرآن به وجود سبزینه(کلر فیل)

(اسوره انعام ایه 99) وهو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرا منه حبا متراكبا و من النخل من طلعتها قنوان دانیة و جنات من اعناب والزیتون و الرمان مشتبها و غیرمتمشابه انظروا الی ثمره اذا اثمر وینعه ان فی ذلکم لآیات لقوم یؤمنون.

و این اوست که از ابر باران میفرستد، با آن جوانه های انواع رستتیاها را در میآوریم، و از جوانه ماده سبز را درمی آوریم، که با آن ماده سبز دانه های خوشه ای درست میکنیم، و از تاره های نخل پَنگهای خوردنی درست می کنیم، و باغهای انگور و زیتون و انار که ترکیبات مشترک زیادی دارند ولی همانند نمائی نمی کنند را درست می کنیم

یکی از جنبه های اعجازگر کتاب آسمانی قرآن، تبیین حقایقی است که در زمان نزول آن برای اهل علم مکشوف نبوده و پیشرفت های علمی در قرون و اعصار سپس تر، بر درستی آن صحه گذارده است.

یکی از این نمونه های اعجاز علمی قرآن، وجود ماده سبز گیاهی است. توضیح اینکه در سلول گیاهی کیسه های غشائی هست که در آن موادی درست می شود که کلروفیل نامیده می شود. کلروفیل به معنی «ماده سبز گیاهی و سبزینه» است که معادل آن در عربی «خَضِر» است (یعنی همان چیزیکه در آیه مطرح شده است). این ماده سبز (خضر) انرژی نوری خورشید را جذب می کند و به انرژی شیمائی تبدیل می کند.

ریشه های گیاه آب و مواد معدنی را از خاک می مکند که بطرف برگها رسانده می شوند و برگها نیز از هوا دی اکسید می گیرند، بعد خَضِر (یعنی کلروفیلها)، مواد غذائی مورد نیاز درخت را تولید می کنند که به سراسر آن صادر می شود و بدنه درخت و میوه و ثمر آن را درست می کند.

کیسه غشائی (کلروپلاست) که در سلول قرار دارد بطور متوسط یک پانصدم میلیمتر است. سلول برخی از گیاهان صدها عدد از آن دارند. درون آن انبوهی غشاء وجود دارد. که در آنها خَضِر (ماده سبز، کلروفیل) وجود دارد.

آیه یاد شده از جهت دیگری نیز نکته آموز است و آن اینکه نخل، انگور، زیتون و انار ترکیبات مشترک زیادی دارند ولی همانند نمائی نمی کنند به دیگر سخن ثمر نخل و انگور و انار و زیتون ضمن اینکه همانند نمائی نمی کنند ترکیبات مشترک زیادی دارند. از جمله: همه آنها روغن، آب، پروتئین، مواد معدنی و مواد قندی دارند.



اعجاز قرآن در لایه لایه زمین

(سوره ایه طلاق 12) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

"خدا آن است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز چیزی مانند آنها".

همانطور که قرآن مطرح کرده زمین در واقع از 7 قشر (7 لایه) تشکیل می شود:

1- قشر خارجی زمین. این قشر اساساً از سنگ خارا و کوههای آن تشکیل شده. دما در عمق یازده کیلومتری به

1100 درجه می رسد.

2- قشر زیر قشر خارجی. این قشر از مگنزیوم و سلیکات آهن تشکیل شده و در 400 کیلو متری دما تقریباً 1400

درجه است.

3- سومین قشر زمین در عمق میان 400 تا 700 کیلومتری قرار دارد. و از همان عناصر قشر بالائی تشکیل شده

است. دما در آن بالای 1400 درجه است.

4- چهارمین قشر تا 2900 کیلومتری عمق امتداد دارد. پائین آن آهن و سلیکات منزیم تقریباً 3800 درجه گرم

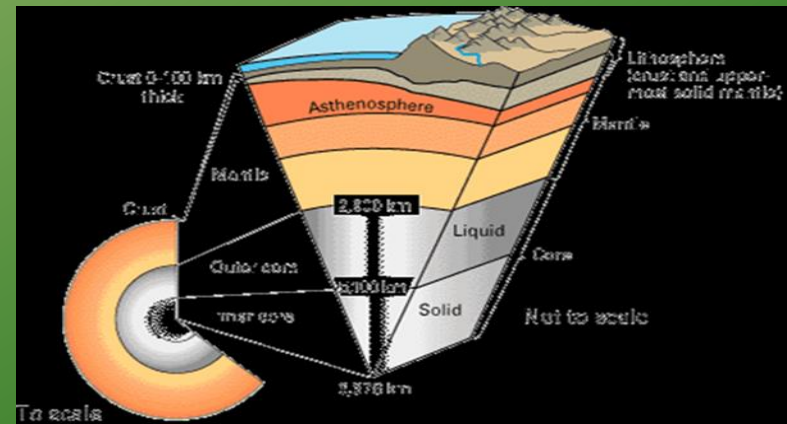
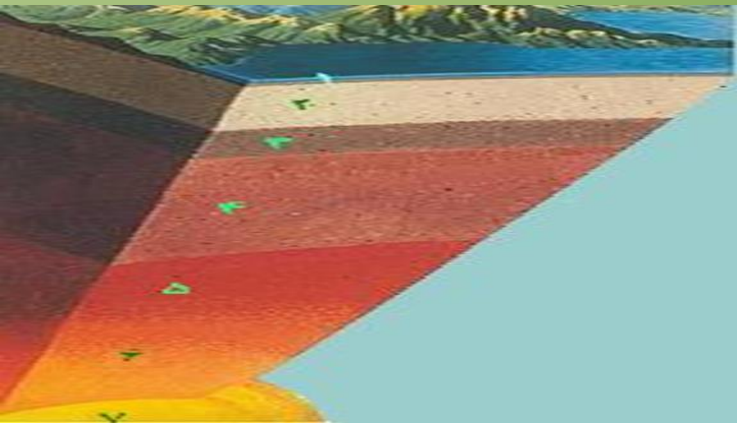
است.

5- دمای آن بالای 3800 درجه است و فعل و انفعالات خشناوت باری در آن صورت می گیرد.

6- ششمین قشر از آهن و آلیاژ فلز نیکل و مقادیر کمی سولفید آهن تشکیل شده. گفته میشود که جریانهای این قشر

باعث نیروی آهن ربائی زمین میشود. دمای آن میان 3800 تا 4200 درجه است.

7- از همان آهن و نیکل قشر بالائی خود تشکیل شده و در مرکز آن دما به 6000 درجه می رسد.



قرآن و رعد و برق

(سوره رعد ایه 12) هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ.

او کسی است که برق را به شما نشان می دهد که هم مایه ی ترس است و هم امید، و ابرهای سنگین ایجاد می کند.
(سوره ی نور ایه 43) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَ يُنَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ... .

آیا ندیدی خداوند ابر ها را به آرامی می راند، سپس بین آن ها پیوستگی و اتصال برقرار می سازد، سپس از آن ها را یکی بر روی دیگری انبوه می نماید، سپس باران را می بینی که از لابلای آن خارج می شود؟...

یکی از پژوهشگران آیات قرآنی درباره ی رعد و برق می نویسد: امروز مسلم شده که جریان رعد و برق مربوط به تخلیه ی الکتریکی است که بین دو قطعه ی ابر با الکتریسیته های مختلف حاصل می شود و در واقع همان طور که وقتی دو سیم برق به هم نزدیک شود جرقه ای می زند که هم دارای صدا و حرکت است، همین معنی در میان ابر ها رخ می دهد:

((برق)) جرقه ی عظیم ان است و رعد صدای جرقه ی ان است. این نکته نیز جالب توجه است که در همان حال که ابر های مترکم تا نزدیکی های زمین را می پوشانند و هوا تاریک میشود و صدای غرش رعد و روشنایی برق شنیده و دیده می شوند تند بالاها ی بالابر سبب می گردد که ابرها حامل دانه های درشت و فراوان شوند و بسیار ثقیل و سنگین گردند.

این واقعیت همان چیزی است که در آیه 12 سوره ی رعد گذشت (و يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ) یعنی ابر های سنگین ایجاد می کند.

دکتر موریس بوکای دانشمند تازه مسلمان شده ی فرانسوی یکی دیگر از پژوهشگران قرآن است که چندین سال از عمر خود را صرف تحقیق در آیات نموده است. وی درباره ی آیات فوق که مطابق دانش امروز قلمداد کرده است چنین می نویسد: در این دو آیه از همبستگی آشکار میان دو تشکیل ابرهای حامل باران و تگرگ و تولید برق و صاعقه سخن گفته می شود در اولی میل و اشتیاق وجود دارد زیرا مفید فایده است، و دومی باعث ترس و خوف است و فرود آمدنش دارای تابع اراده و تصمیم کامله ی خداوند است. رابطه ی میان این دو پدیده مطابق با اطلاعاتی است که که در حال حاضر از الکتریسته جوی داریم.

زخم بستر Sore bed

یکی از سوره های قرآن پاک سوره "کهف" میباشد که درین سوره داستان اصحاب کهف- مجموعه از جوانان باایمان که ازدست ظلم حاکمان جبار وقت فرارنموده و در دره کوهی درپناه خدای بزرگ مدت ۳۰۹ سال را درخواب آرمیدند تا قدرت و تقدیر والای خداوند را ببینند و آیتی باشند برای آنانیکه در قدرت لایزالی او تفکر میکنند- در یکی از آیات این سوره متبر که میخوانیم:

.....وَنَقَلَبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ.... (سوره کهف

(۱۸)

و ما آنها را به پهلو راست و چپ میگردانیدیم

یکی از بیماری های صعب العلاجی که درشفاخانه ها به آن مواجه هستند، زخم های ناشی از عدم تحرک برخی از بیماران است که بالاجبار به یک حالت و برای مدت طولانی در بستر میمانند مانند: شکستگی های لگن خاسره، ستون فقرات، فلج ها و غیره..... علت بروز اینگونه زخم ها سلول های پوستی و انساج واقع در زیر آن بدلیل نرسیدن خون به آنهاست زیرا درین حالت برخی از نقاط بدن در میان دو طبقه سخت یعنی استخوان ها و رختخواب قرار میگیرد و خون به آنها نمیرسد که مشهورترین این نقاط عبارتند از: سرین، کتف ها و بجلک پاها. برای پیشگیری از این زخم ها راهی به جز برگرداندن مریض در هر دو ساعت به یک طرف وجود ندارد. اگر مریض مدت بیشتر از ۱۲ ساعت رابه یک حالت بخوابد زخم ها مرحله اول تشکیل را آغاز مینمایند. امروزه یکی از وظایف عمده نرس ها در شفاخانه ها کاملاً پیشگیری از همین زخم ها میباشد.

شاید یکی از حکمت های برگرداندن اصحاب کهف به راست و چپ که درین آیه مبارکه تذکر رفته همین مسئله باشد.



نسبیت زمان

در قرن بیستم نسبی بودن زمان مطرح شد. به این معنی که زمان در همه جا و برای همه چیز یکسان نیست. بلکه بستگی به سرعت پدیده دارد، هر چه سرعت پدیده بیشتر باشد زمان کمتری بر آن می گذرد. **در سرعتی معادل سرعت نور زمان به صفر می رسد. یعنی اگر چیزی با سرعت نور حرکت کند زمان بر آن نمی گذرد.** آلبرت اینشتین با نسبیت خاص ثابت کرد که اگر به زمان مطلق باور داشته باشیم ناظران مختلف باید سرعت های متفاوتی را برای نور اندازه بگیرند (با توجه به نتایج نسبیت خاص اگر مفهوم نسبی بودن زمان را بپذیریم ثابت بودن سرعت نور که از معادلات ماکسول نتیجه می شود به راحتی اثبات می شود) نسبی بودن زمان چون در سرعت های بالا (نزدیک به سرعت نور) یا در میدان های گرانشی فوق العاده قوی رخ میدهد و در تجارب روزانه با آن سروکار نداریم بنابراین درک آن برای ما مشکل و باور نکردنی است زمان در قرآن به عنوان یک مقوله نسبی مطرح شده. از جمله:

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

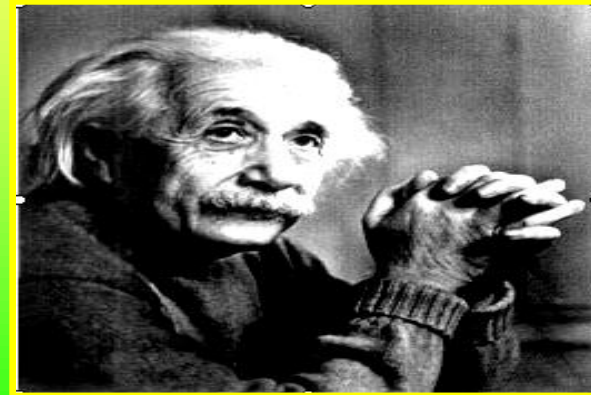
حج-۴۷

« یک روز برای خدا مانند هزار سال در محاسبات شما است.»

وَيَوْمَ يَخْسِرُهُمُ كَانٍ لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مَهْتَدِينَ

یونس ۴۵

« و روزی که آنها را زنده کند مانند این می ماند که بیش از ساعتی از روز در قبر نبوده اند و همدیگر را می شناسند. آنجا کسانی که دیدار خدا را تکذیب کرده بوده باشند و هدایت را انتخاب نکرده باشند زیان خواهند کرد.»



تأثیر قرآن کریم بر درمان بیماری ها

تحقیقی که در سال 1373 در دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد انجام گرفت و به عنوان پژوهش کاربردی مفاهیم دینی در علوم پزشکی به مرحله اجرا درآمد .
در این پژوهش نیمه تجربی از صدای روح بخش قاری مصری استاد شحات محمد انور و سوره مبارکه یوسف (آیات 7-23) جهت کاهش درد بیماران بعد از اعمال جراحی شکم در گروه آزمون استفاده گردید و درد بیماران توسط **Visual Analogue Scale** به همراه بررسی علایم فیزیولوژیک و علایم رفتاری درد اندازه گیری می شد و مداخله از طریق ضبط و هدفون به سمع واحدهای مورد پژوهش رسانده می شد.
نتایج پژوهش بیانگر تأثیر شگرف آوای قرآن کریم به عنوان یک صوت سازمان یافته موزون و یک اهنگ دل پذیر دینی و عرفانی بر کاهش درد بعد از اعمال جراحی شکم می باشد



تأثیر آوای قرآنی بر بیماران سکته مغزی

یک پژوهشگر در دانشگاه علوم پزشکی قم می‌گوید تحقیق وی نشان داد پخش قرآن می‌تواند برای بیماران مبتلا به سکته مغزی که دچار عوامل مختل‌کننده خواب هستند، باعث خواب راحت شود. در تحقیقی که توسط "محمد عباسی" انجام شد، تأثیر آوای قرآن بر وضعیت خواب بیماران مبتلا به سکته مغزی بستری در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی قم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد آوای قرآن در آرامش، سرعت به خواب رفتن و کیفیت خواب بیماران مبتلا به سکته مغزی در موثر است.

پس از انتخاب نمونه‌های پژوهش و جلب همکاری آنها چهار شب وضعیت خواب آنها ثبت شد سپس چهار شب به مدت ۱۵ دقیقه آوای قرآن کریم با ضبط صورت برای بیماران پخش شد. نتایج این تحقیق نشان داد آوای قرآن بر وضعیت خواب بیماران موثر بوده و خوابی راحت و آرام در بیماران را به دنبال داشته است. این تحقیق در دومین همایش سراسری پرستاری توانبخشی در اختلالات مغز و اعصاب ارایه شده است



حسن ختام اینک :

کلمه فرشته (۸۸) بار و کلمه شیطان نیز (۸۸) بار تکرار شده است
کلمه بهشت (۷۷) بار و کلمه جهنم نیز (۷۷) بار تکرار شده است
کلمه دنیا (۱۱۵) بار و کلمه آخرت نیز (۱۱۵) بار تکرار شده است
کلمه گیاه (۲۶) بار و کلمه درخت نیز (۲۶) بار تکرار شده است
کلمه تابستان گرم (۵) بار و کلمه زمستان سرد نیز (۵) بار تکرار شده است
کلمه مجازات (۱۱۷) بار و کلمه آموزش نیز (۱۱۷ * ۲) بار تکرار شده است
کلمه آسمان (۷) بار و کلمه ساخت آسمان نیز (۷) بار تکرار شده است
کلمه زکات (۳۲) بار و کلمه برکت نیز (۳۲) بار تکرار شده است
کلمه شراب (۶) بار و کلمه مستی نیز (۶) بار تکرار شده است
کلمه رحمت (۷۲) بار و کلمه هدایت نیز (۷۲) بار تکرار شده است
کلمه فقر (۱۳) بار و کلمه ثروت نیز (۱۳) بار تکرار شده است
کلمه بگو (۳۳۲) بار و کلمه گفتند نیز (۳۳۲) بار تکرار شده است
کلمه الفجار (۳) بار و کلمه الابرار (۶) بار تکرار شده است
کلمه الجهر (۱۶) بار و کلمه العلانیه (۱۶) بار تکرار شده است
کلمه الشده (۱۰۲) بار و کلمه الصبر (۱۰۲) بار تکرار شده است
کلمه المحبه (۸۳) بار و کلمه الطاعه (۸۳) بار تکرار شده است
کلمه سجده (۳۴) بار تکرار شده است و ما در نماز های یومیه (۳۴) بار سجده می کنیم
کلمه شهر (ماه) ۱۲ بار به تعداد ۱۲ ماههای سال تکرار شده است
کلمه کار ۱۰۸ بار و مزد هم ۱۰۸ بار تکرار شده است
کلمه صالحات ۱۶۷ بار، سینات نیز ۱۶۷ بار در قرآن تکرار شده است .
کلمه صدقه ۷۳ مرتبه و کلمه خوشنودی و رضایت نیز ۷۳ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه **مسلمین** ۴۱ مرتبه و کلمه **جهاد** نیز ۴۱ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

قل لو كان البحر مدادا لكلمت ربي لنفد البحر قبل أن تنفذ كلمت ربي ولو

جئنا بمثله مددا

بگو: "اگر اقیانوس برای کلمات پروردگارم مرکب بود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم تمام شود، اقیانوس تمام می شد؛ حتی اگر مقدار مرکب را دو

برابر کنیم."

سوره 18 آیه 109

با تشکر از توجه شما